

3

FARSI
ASSAN

EASY PERSIAN

فارسی آسان

Dr. Alaeddin Pazargadi
Editor: Esmaeel Hosseini

Illustrated and Designed by Sara Namjoo
Art Director: Mostafa Ale Ahmad



RAHNAMA PRESS
2009

Easy Persian

Book 3

Dr. Alaeddin Pazargadi



پازارگادی، علاءالدین، ۱۲۹۲ - ۱۳۸۳ .

فارسی آسان: کتاب سوم / تألیف علاءالدین پازارگادی؛ طراحی و صفحه‌آرایی سارا نامجو؛ ۱۳۴۹ - - تهران:

رهنما، ۱۳۸۵.

۱۲۳ ص.: مصور، جدول.

ISBN 978-964-367-203-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: فارسی آسان (کتاب سوم).

Alaeddin Pazargadi. Easy Persian: Book 3.

ص.ع. به انگلیسی:

۱. فارسی - - کتاب‌های درسی برای خارجی‌ان - - انگلیسی. ۲. فارسی - - راهنمای آموزشی - -

خارجیان. ۳. فارسی - - مکالمه و جمله‌سازی - - انگلیسی. ۴. فارسی - - راهنمای آموزشی. الف. عنوان.

۴۶۸/۲۴۲۱

PIR ۲۸۲۹/الف ۲۵۴

۸۵-۱۶۷۸۷ م

کتابخانه ملی ایران

All rights reserved. No part of this book may be reproduced in any form or by any means without the permission, in writing, from the Publisher.

RAHNAMA PRESS

Copyright © 2008

No. 220, Shohadaye Zhandarmerie St. (Moshtagh St.), Between Farvardin & Fakhre Razi, Enghelab Ave., Oppo. Tehran University, Tehran, Iran.

P.O. Box: 13145/1845-Tel: (021) 66416604-66400927-66481662

E-mail: info@rahnamapress.com

<http://WWW.RAHNAMAPRESS.COM>

رهنا

فارسی آسان (کتاب سوم) ، مؤلف: دکتر علاءالدین پازارگادی، مدیر هنری: مصطفی آل احمد، طراح: سارا نامجو، لیتوگرافی: فراندیش، چاپ: چاپخانه پایا، تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۷، ناشر: انتشارات رهنما، آدرس: مقابل دانشگاه تهران، خیابان فروردین، نبش خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۲۲۰، تلفن: ۶۶۴۰۰۹۲۷، ۶۶۴۱۶۶۰۴، ۶۶۴۸۱۶۶۲، فاکس: ۶۶۴۶۷۴۲۴، فروشگاه رهنما، سعادت‌آباد، خیابان علامه طباطبایی جنوبی، پلاک ۸، تلفن: ۸۸۶۹۴۱۰۲، آدرس فروشگاه شماره ۴: خیابان پیروزی نبش خیابان سوم نیروی هوایی، تلفن: ۷۷۴۸۲۵۰۵، نمایشگاه کتاب رهنما، مقابل دانشگاه تهران پاساژ فروزنده، تلفن: ۶۶۹۵۰۹۵۷، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۷-۲۰۳-۴

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال



3

Part Three

Note for the teacher

Phase one of this series began with an oral approach to Farsi for those who are interested in learning this language, for understanding speech and gaining ability to speak and read and write. Several sessions were devoted to the oral introduction of the vocabulary related to the familiar environment of the student, together with simple structures which would make conversation easy for such learners. Attention was given to the basic aspects of Persian grammar, such as the use of Simple Present and Continuous Present tenses and Imperatives as the earliest forms which could easily be used and learnt in connection with simple infinitives, pronouns, nouns and a few common adjectives.

After adequate oral practice, Phase One began to introduce Farsi vowel and consonant sounds and their written alphabetical

forms to pave the way for reading, and eventually for writing.

Part Two of Phase One was devoted to the emphasis on the above - mentioned objectives and their expansion and development, together with adequate exercises.

Phase Two of this series is planned to develop the grammatical aspects and offer necessary vocabulary including the infinitive forms, Simple Past, Continuous Past, Future, Past Perfect, Present Perfect, and various tenses of the Passive forms. Then various forms of nouns, pronouns, adjectives, adverbs, prepositions and conjunctions will be introduced.

In part Two of Phase Two Compound and Complex sentences and Conditionals and Subordinate clauses and other types of structure will be introduced.

The topics of these lessons will try to familiarize the student with various aspects of life as experienced by Farsi speaking people of Iran, irrespective of local dialects and lingual differences which exist in this country.

What is important in using this book is that the teacher should not confine himself to the matter that is mentioned in this book, but to expand the subjects and lay emphasis on the oral and conversational aspects of the language which would greatly help to make the task of reading and understanding written Farsi easy, and thereby facilitate the task of writing for the student.



درس اول

برنامه‌ی روزانه - Daily program

to eat, to have	sarf kardan	صرف کردن
ready	āmāde	آماده
science	ulum	علوم
noon	zohr	ظهر
mathematics	riāzi	ریاضی
rest	esterāhat	استراحت
to return	bargashtan	برگشتن
homework	taklif	تکلیف
carry out	anjām dādan	انجام دادن
radio	rādio	رادیو
television	televizion	تلویزیون
to listen	gush dādan	گوش دادن
to watch	tamāshā kardan	تماشا کردن



tea	chāi	چای
to ring	zang zadan	زنگ زدن
to wake up	bidār shodan	بیدار شدن
daily prayer	namāz	نماز
to perform prayer	namāz khāndan	نماز خواندن
ablution	vozu	وضو
perform ablutions	vozu gereftan	وضو گرفتن
to wash	shostan	شستن
to wear	pushidan	پوشیدن
to greet	salām kardan	سلام کردن
breakfast	sobhāne	صبحانه
lunch	nāhār	نهار
supper	shām	شام
student	dānesh āmuz	دانش آموز
to rise	barkhāstan	برخاستن



جواد دانش آموز است و سیزده سال دارد.



او خوابیده است و ساعت زنگ می‌زند.



او بیدار می‌شود. وقت نماز و ساعت پنج صبح است. او بر می‌خیزد و دست و صورت را می‌شوید و وضو می‌گیرد و نماز صبح را می‌خواند.



بعد لباس می‌پوشد و کیف و کتاب‌های خود را بر می‌دارد و به اتاق دیگر برای خوردن صبحانه می‌رود. پدر و مادرش آنجا هستند. او سلام می‌کند و می‌نشیند و با آن‌ها صبحانه صرف می‌کند.

حالا ساعت هفت و نیم صبح است و وقت رفتن به مدرسه شده است.



او چند دقیقه بعد به مدرسه می‌رسد و به کلاس می‌رود. بیشتر شاگردان آنجا هستند و شاگردان دیگر هم می‌آیند و به زودی معلم هم می‌آید و درس آغاز می‌شود.

جواد از ساعت هشت صبح تا دوازده ظهر در کلاس درس فارسی، ریاضی و علوم حاضر می‌شود. او یک ساعت هم زنگ ورزش دارد.

ورزش = physical exercises

بعد یک ساعت برای صرف نهار و استراحت وقت دارد. جواد غذای ساده‌ای برای نهار از خانه می‌آورد و در مدرسه صرف می‌کند و نماز ظهر و عصر را آنجا می‌خواند. بعد از ظهر هم دو کلاس دیگر دارد و ساعت چهار مدرسه تعطیل می‌شود و جواد به خانه برمی‌گردد. پس از صرف چای با مادر (پدر هنوز به خانه برگشته)، به اطاق خود می‌رود و تکلیف‌های مدرسه را انجام می‌دهد. کتاب‌هایی را که معلم به او گفته است می‌خواند و تمرین‌های کتاب را انجام می‌دهد و کیف خود را برای روز بعد آماده می‌کند. بعد از آن نماز می‌خواند.



حالا وقت شام است و جواد شام را با پدر و
مادر صرف می کند و در هنگام شام با هم
حرف می زنند و آن ها از او پرسش هایی
می کنند و او پاسخ می دهد. او هم از آن ها
سؤال می کند و آن ها جواب می دهند.

(سؤال = پرسش) (پاسخ = جواب)



بعد ساعتی را صرف گوش دادن به
رادیو یا تماشای تلویزیون می کند و
ساعت نه شب به پدر و مادر شب بخیر
می گوید و به اتاق خود می رود و می خوابد.

شب بخیر = good night

این برنامه ی روزانه ی جواد در شش روز هفته است. روز جمعه

تعطیل = holiday

تعطیل است و جواد به مدرسه نمی رود.

The word **خود** (khod) which means “self” is a pronoun used for emphasis or possession for all the six personal pronouns, like this:

I myself	من خودم
we ourselves	ما خودمان
you yourself	تو خودت
you yourselves (or yourself)	شما خودتان
he (or she) himself (or herself)	او خودش
they themselves	آنها خودشان



Sometimes the personal pronouns are omitted, and only the emphatic pronoun takes its place, like this:

خودت آن را بنویس
 خودش این جا می آید
 خودم آن را می گیرم
 خودشان می دانند
 خودتان کار را انجام بدهید
 خودمان نامه می نویسیم

تمرین‌ها

تمرین ۱ به سئوال‌های زیر جواب دهید:

- ۱- جواد چه ساعتی بیدار می‌شود؟
- ۲- چه کسی او را صبح بیدار می‌کند؟
- ۳- چه وقت کیف خود را برای مدرسه آماده می‌کند؟
- ۴- آیا جواد جوان منظمی است؟
- ۵- آیا جواد جوان با ادبی است؟
- ۶- جواد چند ساعت در مدرسه است؟
- ۷- آیا او برای نهار به خانه برمی‌گردد؟
- ۸- نماز ظهر را در کجا می‌خواند؟
- ۹- ساعت ورزش او چه وقت است؟

تمرین ۲ با هر یک از کلمات زیر یک جمله بسازید:

خودش

منظم

بر می‌گردند

خودمان
 با ادب
 تماشا می کنم
 بیدار
 شام
 می شویم
 تکلیف
 جوان
 نماز

تمرین ۳ برای پرسش‌های زیر پاسخ بنویسید:



- ۱- آیا شما برنامه‌ی روزانه دارید؟
- ۲- صبح را صرف چه کاری می‌کنید؟
- ۳- برنامه‌ی شما بعد از ظهرها چیست؟
- ۴- شب چه برنامه‌ای دارید؟
- ۵- چقدر وقت با پدر و مادر صرف می‌کنید؟
- ۶- با آنها چه برنامه‌ای دارید؟

تمرین ۴ برای پاسخ‌های زیر پرسش تهیه کنید:



A large orange notepad graphic with a large, faint question mark in the center. The notepad has several horizontal lines for writing.

۱- آری، همیشه می‌خوانم.

۲- در مدرسه می‌خورم.

۳- در خانه انجام می‌دهد.

۴- با پدر و مادرم.

۵- نه، به خانه بر نمی‌گردد.

۶- برنامه‌ی خوبی نیست.

۷- بله، آن را دوست دارم.

درس دوم^س

مصدر - Infinitive

In Persian all infinitives end with **دَن** or **تَن** such as **زَدَن** (to hit), **کَرَدَن** (to do), **دَاَدَن** (to give) and **گُفَتَن** (to say), **رَفَتَن** (to go), **گِرِفَتَن** (to take)

Each infinitive has its own particular root from which the simple present tense, the continuous present and imperative are formed:

The above infinitives are examples of simple infinitives, and their roots are as follows:

root	root	root
زَدَن زَن	کَرَدَن کُن	دَاَدَن دِه
گُفَتَن گو	رَفَتَن رو	گِرِفَتَن گیر

There is no formula or rule about forming these roots and each root must be learnt separately. The simple present of the verb **زَدَن** is made in this way : mi + root of the verb + joinable pronouns.

(I hit)	می + زن + ام = می زَنَم
(you hit) singular	می + زن + ی = می زَنِی
(he or she hits)	می + زن + اد = می زَنَد
(we hit)	می + زن + ایم = می زَنِیم
(you hit) plural	می + زن + ید = می زَنَید
(they hit)	می + زن + اند = می زَنَند



The same tense is also used for continuous present meaning: "I am doing" and "I am going". There are also two other ways of forming the continuous present tense: 1) By adding the verb **دارم** and its other persons to the simple present:

مَن دارم می روم
تو داری می روی
او دارد می رود

2) By using the word **مشغول** (occupied) with the simple infinitive, such as : **او مشغول نوشتن است** or **در حال** (in the state of) with the infinitive, such as **او در حال رفتن است**

The root of each infinitive is also used for making the imperative, such as the following examples: by adding **ب** to the root and its related pronoun:

infinitive	root	imperative	meaning
زَدَن	زَن	بَزَن	hit (singular)
		بَزَنید	hit (plural)
رَفْتَن	رَو	بُرُو	go (singular)
		بُرَویَد	go (plural)

The above infinitives were simple ones which are used to form compound infinitives by adding a noun to the infinitive, with a change of meaning such as



simple infinitive	compound	infinitive	meaning
	زَنگ زَدَن	(zang zadan)	(to ring)
زَدَن (zadan)	دَر زَدَن	(dar zadan)	(to knock)
	حَرَف زَدَن	(harf zadan)	(to talk)



	کار کردن	(kār)	(to work)
کردن (kardan)	رنگ کردن	(rang)	(to paint)
	خسته کردن	(khaste)	(to tire)
<hr/>			
	قول دادن	(ghol)	(to promise)
دادن (dādan)	یاد دادن	(yād)	(to teach)
	بو دادن	(bu)	(to roast)
<hr/>			
	راست گفتن	(rāst)	(to tell the truth)
گفتن (goftan)	شعر گفتن	(she'r)	(to compose a poem)
	دروغ گفتن	(dorugh)	(to tell a lie)
<hr/>			
	دَر رفتن	(dar)	(to run away)
رفتن (raftan)	راه رفتن	(rāh)	(to walk)
	سر رفتن	(sar)	(to boil over)
<hr/>			
	یاد گرفتن	(yād)	(to learn)
گرفتن (gereftan)	قرار گرفتن	(gharār)	(to settle)
	جا گرفتن	(jā)	(to have room for)

For making various tenses with compound infinitives, only the

simple infinitive that goes with it undergoes a change. For example, we say:

او زنگ می زند

شما قول می دهید

ما راه می رویم

من کار می کنم

تو شعر می گویی

آنها یاد می گیرند



تمرین‌ها

تمرین ۱

Use the roots of the verbs **کردن** and **رفتن** to make the simple present tense for the six persons:

کردن for

1-	_____
2-	_____
3-	_____
4-	_____
5-	_____
6-	_____

رفتن for

1-	_____
2-	_____
3-	_____
4-	_____
5-	_____
6-	_____



تمرین ۲

Make the continuous present tense of the verbs **گفتن** and **دادن** for the second persons:

گفتن

دادن

1) singular

1) (singular)

2) plural

2) (plural)

تمرین ۳

Make the imperatives for the verbs **دادن** (to give) and **گرفتن**

for both second persons

دادن

گرفتن

1-(singular)

1-(singular)

2-(plural)

2-(plural)

تمرین ۴

Give the third person plural of **دادن** and **گرفتن** and make a sentence with each one

دادن

گرفتن

درس سوم

رنگ‌ها و نقاشی - colours and painting



colour	rang	رنگ
to paint	rang kardan	رنگ کردن
painting	naghāshi	نقاشی
to paint	naghāshi kardan	نقاشی کردن
design	tarh	طرح
to design	tarh kardan	طرح کردن
brush	ghalam mu	قلم مو
to mix	makhlut kardan	مخلوط کردن
to get, to obtain	bedast āvardan	به دست آوردن
view	manzar	منظر
nature	tabiat	طبیعت
natural	tabi'i	طبیعی
subject	mozu'	موضوع

painter	naghāsh	نقاش
water colour	ābrang	آب رنگ
oil paint	rang rughan	رنگ روغن
basic	asli	اصلی
black	siyāh	سیاه
white	sefid	سفید
blue	ābi	آبی
yellow	zard	زرد
red	sorkh	سرخ
green	sabz	سبز
brown	ghahve'i	قهوه‌ای
purple	banafsh	بنفش
orange	nārenji	نارنجی
pink	surati	صورتی
Gray (grey)	khakestari	خاکستری
light	kamrang	کم رنگ
dark	porrang	پررنگ



to draw

keshidan

کشیدن

a little

kami

گمی

unmarried girl

dushizeh

دوشیزه



این رنگ سفید و آن رنگ سیاه است .



این‌ها دورنگ اصلی هستند.

این سه رنگ یعنی سرخ، زرد و آبی هم سه رنگ اصلی هستند.



با مخلوط کردن این رنگ‌ها، رنگ‌های زیر به دست می‌آید.

سرخ کم رنگ

سرخ پررنگ

آبی کم رنگ

آبی پررنگ

قهوه‌ای



بنفش

سبز

نارنجی

صورتی

خاکستری

نگار دوشیزه‌های بیست ساله است که نقاشی را خیلی دوست دارد.
او رنگ‌ها را مخلوط می‌کند و رنگ‌های تازه به دست می‌آورد.

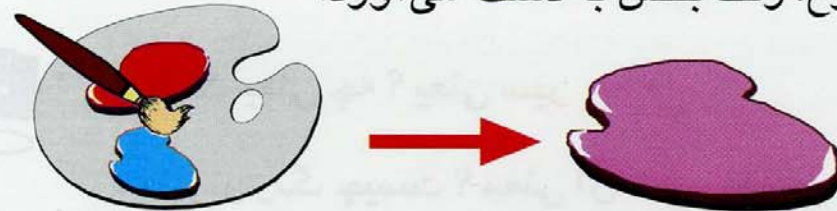
مثلاً از آبی و زرد، رنگ سبز به دست می‌آورد. مثلاً = for example



از زرد و سرخ، رنگ نارنجی می‌سازد.



از آبی و سرخ، رنگ بنفش به دست می‌آورد.



موضوع نقاشی او بیشتر طبیعت است. او منظره‌های طبیعی را خیلی دوست
می‌دارد. اول با مداد طرح را کم رنگ می‌کشد و بعد با آب رنگ یا



رنگ روغن و با قلم مو نقاشی خود را کامل می‌کند.

یکی از نقاشی‌های او کوهستان و آبشار است.



تصویر دیگرش منظره‌ی جنگل است.



تصویر دیگر، منظره‌ی باغ و گل‌ها است.

پُر رنگ یعنی سیر. (dark colour) سیر also means پر رنگ

پر رنگ یعنی چه؟ یعنی سیر

معنی پر رنگ چیست؟ معنی آن سیر است.

معنی = meaning

سؤال یعنی چه؟ یعنی پرسش

معنی سؤال چیست؟ معنی سؤال پرسش است.

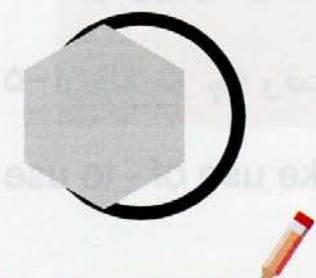
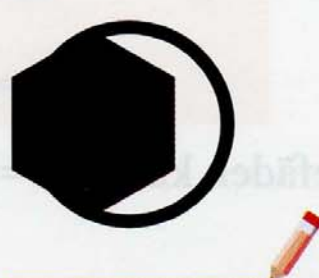






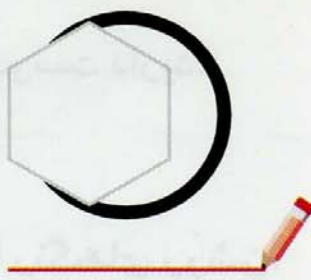



جواب یعنی چه؟ یعنی پاسخ.

معنی جواب چیست؟ معنی جواب پاسخ است.



تمرین‌ها

تمرین ۱ نام این رنگ‌ها را بنویسید:

تمرین ۲ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- نگار چه کاره است؟
- ۲- آیا با مداد نقاشی می‌کند؟
- ۳- موضوع نقاشی او چیست؟
- ۴- کار اوّل او در نقاشی چیست؟
- ۵- از قلم مو چه وقت استفاده می‌کند؟

استفاده کردن (estefādeh kardan) = to make use of - to use

تمرین ۳ به سئوال‌های زیر جواب دهید:

- ۱- آیا شما نقاشی بلدید؟
- ۲- آیا نقاشی را دوست دارید؟
- ۳- چه موضوع‌هایی را برای نقاشی دوست دارید؟
- ۴- در خانواده شما نقاش هست؟
- ۵- آیا رنگ‌های سیر را دوست دارید یا رنگ‌های روشن؟



تمرین ۴ تصویر یک دسته گل را بکشید و گل‌ها را رنگ زرد، آبی، سرخ،

صورتی و نارنجی کنید.

درس چهارم

کار و وعده‌های غذا Work and Meals

In Persian simple past is made by dropping the **ن** of the infinitive to get third person singular, and make the other five persons by adding personal pronouns, as follows for the infinitive (khordæn) خوردن meaning "to eat".

خوردم	I ate	خوردیم	we ate
خوردی	you ate (singular)	خوردید	you ate(plural)
خورد	he, she ate	خوردند	they ate



yesterday	diruz	دیروز
mountain	kuh	کوه
I went	raftam	رفتم
begins	shoru' mishavad	شروع می‌شود

tired	khaste	خسته
I was	budam	بودم
I woke up	bidār shodam	بیدار شدم
wash	shosteshu	شستشو
I wore	pushidam	پوشیدم
I prepared	āmādeh kardan	آماده کردم
breakfast	sobhāne	صبحانه
I ate	khordam	خوردم
bread	nān	نان
cheese	panir	پنیر
butter	kare	کره
jam	morabbā	مربا
tea	chāi	چای
milk	shir	شیر
place of work	mahale kār	محل کار
near	nazdik	نزدیک
way	rāh	راه



on foot	piāde	پیاده
workmate	hamkār	همکار
lunch	nāhār	نهار
rice + meat	chelokabāb	چلوکباب
we were busy	mashghul budim	مشغول بودیم
return	bargashtam	برگشتم
supper-dinner	shām	شام
soup	sup	سوپ
salad	sālād	سالاد
egg	tokhme morgh	تخم مرغ
simple	sāde	ساده
television	televizion	تلویزیون
I took off	kandam	گندم
I slept	khābidam	خوابیدم
meal	va'de ghazā	وعده غذا
again	dobāre	دوباره
taxi	tāksi	تاکسی



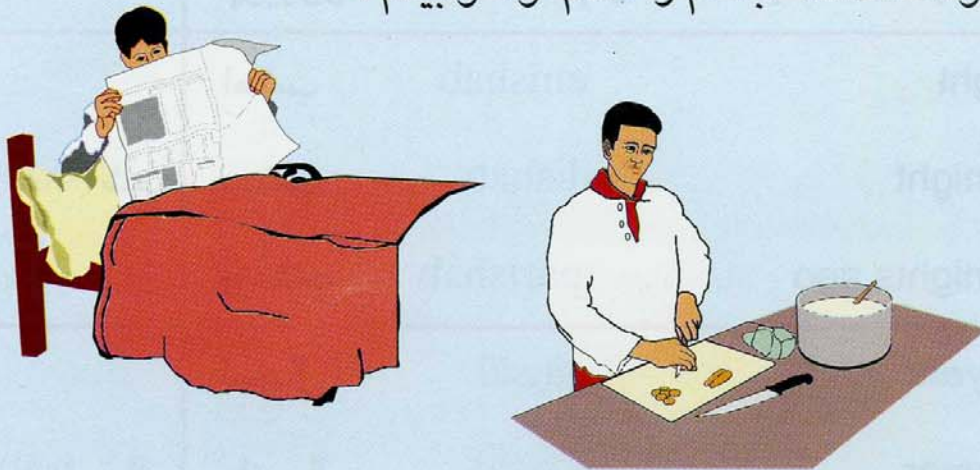
دیروز شنبه و روز اول هفته بود. روز جمعه به کوه رفتم و خسته بودم. کار من ساعت هشت صبح شروع می شود. من ساعت شش صبح بیدار شدم و دست و صورت را شستم و لباس پوشیدم و صبحانه را آماده کردم. صبحانه‌ی بیشتر مردم در ایران نان و پنیر و چای است. صبحانه‌ی من نان و پنیر و کره و مربا با چای و شیر است.



از منزل ما تا محل کار نزدیک یک ساعت و نیم راه است. از منزل تا آن جا پیاده رفتم. تا ساعت دوازده ظهر کار کردم و برای نهار با دو نفر از همکاران به رستوران نزدیک محل کار رفتیم. غذای رستوران چلو کباب بود. بعد از نهار کار دوباره شروع شد و ما تا ساعت شش بعد از ظهر مشغول کار بودیم. وقت برگشتن به خانه رسید.



چون کمی خسته بودم با تاکسی به خانه برگشتم و یکی دو ساعت به کارهای خانه مشغول شدم و برای خودم شام آماده کردم. شام سوپ و سالاد و تخم مرغ بود. بعد از شام یکی دو ساعت به تماشای تلویزیون مشغول شدم و ساعت ده لباسم را کندم و خوابیدم.



As you see, the words “soup”, “salad”, “taxi” and “television” are European words which have entered Persian. There are many such words about European dishes, technical terms such as “telephone”, “telegraph”, “video” etc, and sport terms which have entered Farsi, and they will be introduced in their proper place.

به کلمات زیر درباره‌ی زمان توجه کنید:



to-day	emruz	امروز	
yesterday	diruz	دیروز	روز (ruz) day
the day before yesterday	pariruz	پریروز	
tonight	emshab	امشب	
last night	dishab	دیشب	شب (shab) night
two nights ago	parishab	پیشب	
this year	emsāl	امسال	
last year	pārsāl	پارسال	سال (sāl) year
two years ago	pirārsāl	دو سال پیش	

آپ

تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- این مرد روز جمعه کجا بود؟
- ۲- کار او چه ساعتی شروع می‌شود؟
- ۳- صبحانه‌ی او را چه کسی آماده کرد؟
- ۴- آیا نهار را خودش آماده کرد؟
- ۵- آیا شام را در رستوران خورد؟
- ۶- چند ساعت در محل کار مشغول کار بود؟
- ۷- چرا با تاکسی به خانه برگشت؟
- ۸- چه ساعتی خوابید؟

تمرین ۲ جمله‌های زیر را از زمان حال (simple present) به گذشته

(simple past) تبدیل کنید:

امروز تو فارسی یاد می‌گیری (simple present)

دیروز تو فارسی یاد گرفتی (simple past)

مثال: (امروز)

(دیروز)

۱- امشب به سینما می‌رویم.

.....

۲- امروز نهار خوبی می‌خورند.

.....

۳- حالا کجا می‌روید؟

.....

۴- امسال کدام کتاب فارسی را می‌خوانید؟

.....

۵- هر شب ساعت ده می‌خوابد.

.....

تمرین ۳ برای پاسخ‌های زیر پرسش تهیه کنید:

۱- چون خسته بودم.

۲- نه، ساعت ۹ بیدار شدم.

۳- غذای خیلی خوبی نبود.

همیشه = (always)

۴- همیشه، ساعت ۱۲

۵- گاهی پیاده، گاهی با تاکسی گاهی = (sometimes)



درس پنجم

مسابقه‌ی فوتبال - A football match

to be arranged	ta'in shodan	تعیین شدن
gate	darebe bozorg	درب بزرگ
stadium	varzeshgāh	ورزشگاه
spectator	tamāshāgar	تماشاگر
Group (team)	daste	دسته
platform-seats	saku	سکو
to wait	montazer shodan	منتظر شدن
exciting	porhayajān	پرهیجان
to wave	takān dādan	تکان دادن
flag	parcham	پرچم
shout	faryād	فریاد
referee	dāvar	داور
aid	komak	کمک



following	bedonbāle	به دنبال	
between	beine	بین	
whistle	sut	سوت	
to get	bedast āvardan	به دست آوردن	
attack	hamle	حمله	
equal	mosāvi	مساوی	
victory	piruzi	پیروزی	
attacker (forward)	mohājem	مهاجم	
defender (back)	modāfe'	مدافع	
half-back	bāzikone miāni	بازیکن میانی	
goalkeeper	darvāzebān	دروازه بان	
fan-supporter	tarafdār	طرفدار	
half	nime	نیمه	
to encourage	tashvigh kardan	تشویق کردن	
to score a goal	gol zadan	گل زدن	
ball	tup	توپ	
result	natije	نتیجه	

ساعت پنج بعد از ظهر روز پنجشنبه برای برگزاری مسابقه‌ی فوتبال بین دو تیم بزرگ تهران تعیین شد. از ساعت سه بعد از ظهر درهای ورزشگاه باز شد و تماشاگران دسته دسته وارد می‌شدند و در سکوهای اطراف میدان می‌نشستند و منتظر شروع مسابقه بودند. ساعت پنج داور مسابقه و دو نفر کمک او وارد میدان شدند و به دنبال آنها هر دو تیم فوتبال یکی با پیراهن و جوراب آبی رنگ و تیم دیگر با پیراهن و جوراب سرخ در جای خود در میدان ایستادند و داور مسابقه را با سوت خود آغاز کرد. هر تیم دو مهاجم، چهار مدافع، چهار بازیکن میانی و یک دروازه بان داشت و از همان اول بازی حمله‌ها از هر دو طرف دروازه شروع شد و در هر حمله تماشاگران طرفدار هر تیم با فریادهای بلند و تکان دادن پرچم‌های رنگین خود بازیکنان را تشویق می‌کردند. ولی در بیست دقیقه اول هیچ تیم گلی وارد دروازه نکرد.



بعد تیم آبی یک « کُرُنر » به دست آورد و با ضربه‌ی سر یکی از مهاجمین گل اول به دست آمد.



چند دقیقه بعد تیم قرمز یک پنالتی به دست آورد. توپ را وارد دروازه تیم آبی کرد و بازی مساوی شد و این نتیجه تا پایان نیمه‌ی اول باقی ماند.



در نیمه‌ی دوم بازی، هیجان بازیکنان و تماشاگران بیشتر می‌شد و این بار تیم قرمز گل دوم را از فاصله‌ی ده متری زد، ولی این پیروزی تنها چند دقیقه باقی ماند و به زودی تیم آبی گل مساوی خود را از فاصله‌ی بیست متری به دست آورد و این مسابقه پرهیجان فوتبال با همین نتیجه تمام شد و بازیکنان و تماشاگران، راضی از این مسابقه، از ورزشگاه بیرون رفتند.

In football and in many other European sports, English words have entered Persian and are used more frequently than Persian substitutes for them. In the above piece we have such words as “team”, “goal”, “football”, “corner”, “penalty”. Other words such as “out”, “foul”, “post” etc are also used.

The suffix **گر** is added to some nouns to show a person’s task or conduct. Thus we get the following words

زرگر	zargar	meaning	goldsmith
نقره‌گر	noghregar	meaning	silversmith
مسگر	mesgar	meaning	coppersmith
کارگر	kārgar	meaning	worker, laborer
حیله‌گر	hilegar	meaning	a cunning person

Similarly we have **بان** as a suffix added to a noun to mean ‘keeper’. Here are some examples:

دروازه‌بان	darvāzebān	meaning	goal keeper
باغبان	bāghbān	meaning	gardener
نگهبان	negahbān	meaning	watchman

دربان

darbān

meaning

door keeper

زندانبان

zendānbān

meaning

jailer

In the same way we use **دار** meaning "holder" with some nouns such as

طرفدار

tarafdār

meaning

supporter

خانه‌دار

khānedār

meaning

housekeeper

زمین‌دار

zamindār

meaning

landowner

کارخانه‌دار

kārkhānedār

meaning

factory owner

کاردار

kārdār

meaning

charg' d'affaires

آپ
ت
ش

تمرین‌ها

تمرین ۱ به سئوال‌های زیر جواب دهید:

- ۱- تماشاگران چه ساعتی به ورزشگاه آمدند؟
- ۲- آنها در وقت مسابقه چه می‌کردند؟
- ۳- آنها از بازیگران چه می‌خواستند؟
- ۴- کار داور چه بود؟
- ۵- نتیجه بازی چه شد؟



تمرین ۲ با هر یک از کلمات زیر یک جمله بسازید:

تعیین می‌کردم

منتظر می‌شدند

تشویق می‌کردیم

به دست می‌آورد

نتیجه می‌گرفت

تمرین ۳ پاسخ پرسش‌های زیر را بنویسید:

۱- آیا شما بازی فوتبال را دوست دارید؟

.....

۲- آیا فوتبال هم بازی می‌کنید؟ در کجا؟

.....

۳- چه ورزش دیگری را انجام می‌دهید؟

.....

۴- چه ورزشی را دوست ندارید؟ چرا؟

.....

۵- در کجا ورزش می‌کنید؟

.....

In this lesson the verbs تشویق می‌کردند، می‌نشستند، وارد می‌شدند have been used to show that past continuous tense is made by adding می (mi) to simple past.

درس ششم

adjective صفت

In Persian an adjective follows a noun to qualify it, e.g.

a small book

کتاب کوچک

a large house

خانه بزرگ

a tall tree

درخت بلند



It is also used to show the relation between a noun and an adjective, the sound 'é' (اِ) comes after the noun:

درخت ، خانه ی ، کتاب

Adjective are either simple like the above examples or they may be compound by means of joining a noun e.g.

خوش بخت (of good fortune) meaning 'fortunate'

نیک نام (of a good name) meaning 'respectable'

Here are some examples of compound adjectives made by adding با (with) to a noun, of adding بی (without as an opposite

rude	بی ادب	polite	با ادب
ignorant	بی اطلاع	well-versed	با اطلاع
unjust	بی انصاف	fair	با انصاف
timid	بی جرأت	brave	با جرأت
unwise	بی خرد	wise	با خرد
tasteless	بی ذوق	tasteful	با ذوق
mean, base	بی شرف	honorable	با شرف
cowardly	بی غیرت	zealous	با غیرت
indecent	بی نزاکت	decent	با نزاکت



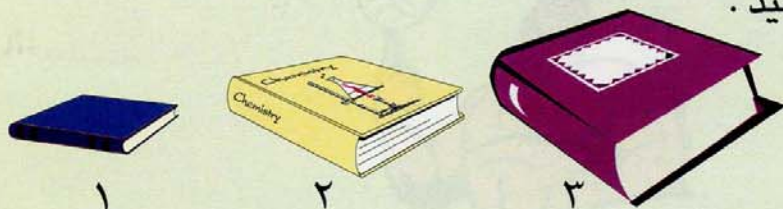
There are many such adjectives in Farsi.

comparative adj. صفت تفضیلی.

superlative adj. صفت عالی.

- در این جا سه خط می بینید.
- خط شماره ۱ کوتاه است. (short = کوتاه)
- خط شماره ۲ درازتر است. (longer = درازتر از خط شماره ۱)
- خط شماره ۳ درازترین است. (the longest = درازترین)
- خط شماره ۱ کوتاهترین است. (shortest = از = than)

به این سه کتاب نگاه کنید .



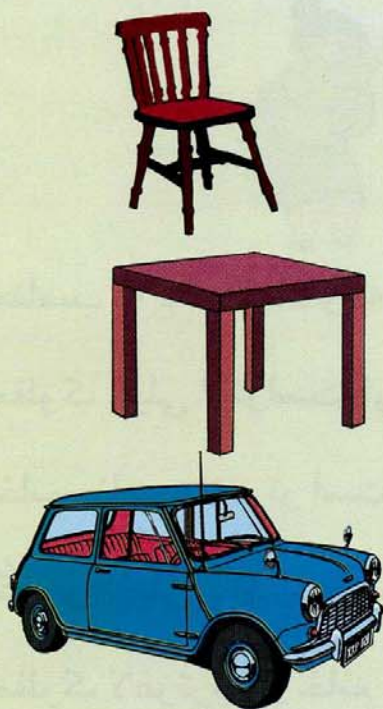
کتاب شماره ۱ کوچک و نازک است.

کتاب شماره ۲ بزرگ‌تر و کلفت‌تر است.

بزرگ‌تر و کلفت‌تر از کتاب شماره ۱. large = بزرگ thick = کلفت

کتاب شماره ۳ بزرگ‌ترین و کلفت‌ترین آن‌هاست.

کتاب شماره ۱ کوچک‌ترین و نازک‌ترین آن‌هاست.



این صندلی سبک‌تر از میز است.

و میز سنگین‌تر از صندلی است.

میز سبک‌تر از اتومبیل است.

اتومبیل سنگین‌تر از میز است.

صندلی سبک‌ترین آن‌هاست.

اتومبیل سنگین‌ترین آن‌هاست.

heavy = سنگین light = سبک



آقای کوهی مردی قوی است و ورزش می‌کند.

آقای کاهی ضعیف است و ورزش را دوست ندارد.

آقای کوهی **قوی‌تر** از آقای کاهی است. او سالم است.

آقای کاهی **ضعیف‌تر** از آقای کوهی است. او سالم نیست.

weak = ضعیف strong = قوی unhealthy = ناسالم healthy = سالم



خانم مناسب نه لاغر است و نه چاق. او اندازه است. اندازه = right weight

خانم مفلوک خیلی لاغراست. او غذا کم می‌خورد و اغلب بیمار است.

او از خانم مناسب **لاغرتر** است. thin = لاغر

خانم گُروی خیلی چاق و ناسالم است و پُر می‌خورد. fat = چاق

خانم مفلوک **لاغرترین** و خانم گُروی **چاق‌ترین** آن‌ها است.

sick = بیمار to eat too much = پُر خوردن

تمرین‌ها



۱



۲



۳



۴

تمرین ۱ پر سش‌های زیر را پاسخ دهید:

۱- در این تصویر کدام بطری خالی‌تر است؟

۲- پُرترین بطری کدام است؟

۳- کدام بطری پر تر از بطری شماره ۲ است؟

۴- کدام بطری خالی‌تر از بطری شماره ۳ است؟

۵- خالی‌ترین بطری کدام است؟

نیمه پر = half full خالی = empty پر = full نزدیک به پر = nearly full

تمرین ۲ به سئوال‌های زیر جواب دهید:

۱- در خانواده‌ی شما چه کسی از همه پیرتر است؟

۲- جوان‌ترین نفر در خانواده‌ی شما کیست؟

۳- قوی‌ترین نفر در کلاس شما چه کسی است؟

۴- ضعیف‌ترین نفر در این کلاس کیست؟

۵- در این کلاس چه کسی بهتر فارسی حرف می‌زند؟



۶- چه کسی بهتر انگلیسی می‌داند؟



۷- آیا یک مرد پرخور سالم‌تر است یا یک مرد ورزشکار؟

۸- آسان‌ترین کارها چیست؟

کار نکردن؟ یا به موقع کار کردن؟ یا دیر کردن؟

تمرین ۳ با هر کلمه زیر یک جمله با صفت تفضیلی و یک جمله با صفت

عالی بسازید:

زیبا = beautiful

تنبّل = lazy

مهربان = kind

تمرین ۴ هر دو صفت‌های زیر را در یک جمله به کار ببرید:

۱- بی انصاف با انصاف

۲- بی ادب با ادب

۳- بی جرأت با جرأت

تمرین ۵ دوست شما چه صفت‌هایی دارد؟

۱- ۲- ۳- ۴-

درس هفتم

سال ایرانی - Iranian year

prophet	payāmbār	پیامبر
emigration	hejrat	هجرت
hejira	hejri	هجری
solar	shamsi	شمسی
lunar	ghamari	قمری
Earth	zamin	زمین
sun	khorshid	خورشید
moon , month	māh	ماه
to rotate	dor gashtan	دور گشتن
to calculate	mohāsebe kardan	مُحاسبه کردن
to take, observe	gereftan	گرفتن
country	keshvar	کشور
nation	mellat	مِلّت



national

melli

ملی



coincide

montabegh shodan

منطبق شدن

short

kutāh

کوتاه

administrative

edāri

اداری

festival

jashn

جشن

birth

tavallod

تولد

decease

vafāt

وفات

martyrdom

shahādat

شهادت

Imam

emām

امام

fasting

ruze

روزه

dawn

sahar

سحر

religion

mazhab

مذهب

sort, kind

no'

نوع

religious

mazhabi

مذهبی

sunset

maghreb

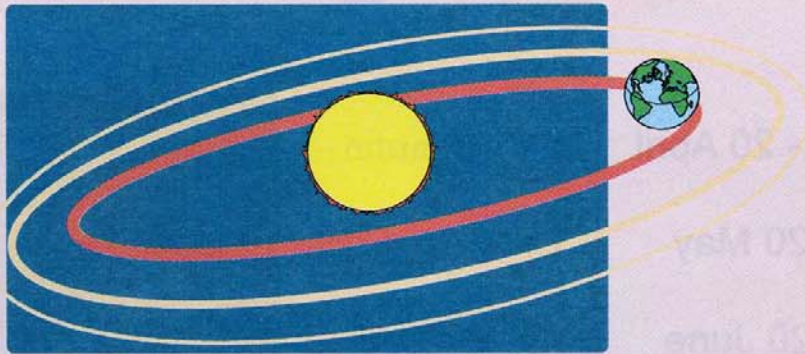
مغرب

rotation

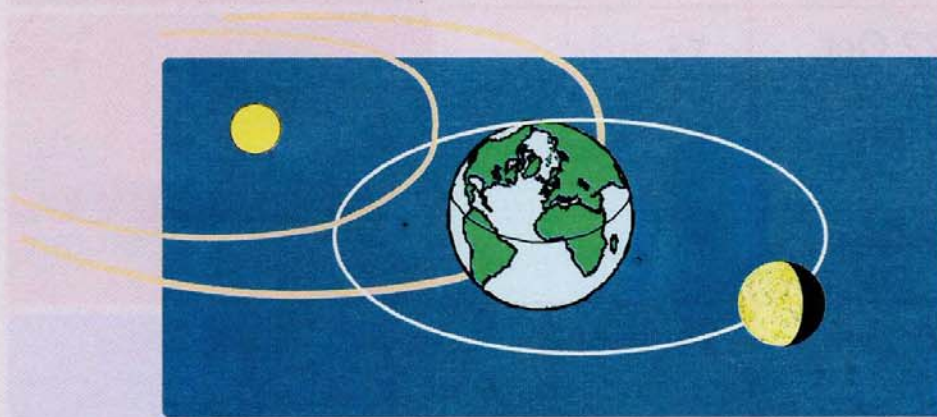
gardesh

گردش

در ایران ما دو نوع سال داریم. سال هجری شمسی و سال هجری قمری. تاریخ شروع هر دو سال زمان هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه است. نام هر دو سال، سال هجری است.



سال هجری شمسی (solar year) با گردش زمین به دور خورشید محاسبه می‌شود و سال هجری قمری (lunar year) با گردش ماه محاسبه می‌شود.



سال شمسی ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۵ ثانیه است. سال قمری ۳۵۴ روز است. سال شمسی و قمری هر کدام دوازده ماه دارد.



روز



سال هجری شمسی

21 March - 20 April	۳۱ farvardin	فَرَوَرْدین	
21 April - 20 May	۳۱ ordibehesht	أَرْدِیْبِهَشْت	بَهَار
21 May - 20 June	۳۱ khordad	خُرْدَاد	Spring
21 June - 21 July	۳۱ tir	تیر	
22 July - 22 August	۳۱ mordād	مُرداد	تابستان
23 August - 22 Sept.	۳۱ shahrivar	شَهْرِیور	Summer
23 Sept. - 22 Oct.	۳۰ mehr	مِهْر	
23 Oct. - 21 Nov.	۳۰ ābān	آبَان	پائیز
22 Nov. - 22 Dec.	۳۰ āzar	آذَر	Autumn
22 Dec. - 20 Jan.	۳۰ dey	دِی	
21 Jan. - 19 Feb.	۳۰ bahman	بَهْمَن	زِمِستَان
20 Feb. - 20 March	۲۹ esfand	اِسْفَنْد	Winter



سال هجری قمری

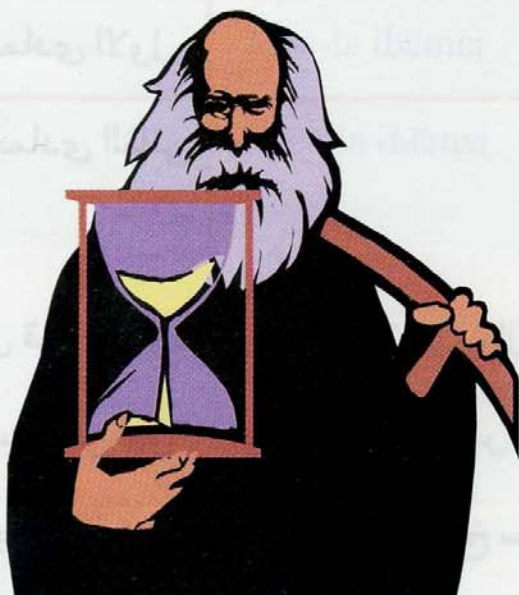
۲۹	rajab	رَجَب	۲۹	moharam	مُحَرَّم
۲۹	shabān	شَعْبَان	۳۰	safar	صَفَر
۳۰	ramazān	رَمِضَان	۳۰	rabi al-aval	ربیع الاول
۳۰	shavāl	شَوَّال	۲۹	rabi al-sāni	ربیع الثانی
۲۹	zigha'de	ذیقعه	۲۹	jamādi al-aval	جمادی الاول
۳۰	zihajje	ذیحجه	۳۰	jamādi al-sāni	جمادی الثانی

سال قمری یازده روز کوتاه‌تر از سال شمسی است و در نتیجه با هم منطبق منطبق نمی‌شوند و ماه‌های قمری هر سال ده یا یازده روز جلوتر می‌آیند. در نتیجه تاریخ سال شمسی با تاریخ سال قمری فرق دارد. در ایران از سال شمسی برای کارهای اداری و جشن‌های ملی ایران استفاده می‌کنیم و روزها و ماه‌های آن ثابت است و تغییر نمی‌کند.

(تغییر کردن = change) (ثابت = fixed)

سال شمسی با روز اول فروردین یعنی اولین روز بهار شروع می‌شود و در

آخرین روز اسفند یعنی آخرین روز زمستان پایان می‌یابد. از سال قمری که با اولین روز ماه محرم شروع می‌شود برای تعیین تاریخ جشن‌های مذهبی و تاریخ تولد پیامبر اسلام و دوازده امام و خانواده‌ی آنها و تاریخ وفات و شهادت هر کدام استفاده می‌شود. مردم مسلمان در ماه رمضان روزه می‌گیرند و برای تعیین موقع نماز از سال قمری استفاده می‌کنند. چون سال قمری کوتاه‌تر از سال شمسی است، تاریخ روزهای جشن و تولدها و وفات‌ها تغییر می‌کند و هر سال باید آنها را محاسبه کرد و در سالنامه (calendar) ذکر کرد.



ت‌آش

تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- سال شمسی چند روز بیشتر از سال قمری است؟
- ۲- چرا سال قمری با سال شمسی در یک زمان نیست؟
- ۳- سال شمسی چطور محاسبه می‌شود؟
- ۴- سال قمری چگونه محاسبه می‌شود؟
- ۵- چه ماه‌هایی از سال شمسی ۳۱ روز دارند؟
- ۶- سالنامه برای چیست؟
- ۷- سال شمسی چه روزی شروع می‌شود؟
- ۸- چرا سال ایرانی را «هجری» می‌خوانیم؟



The last month of the solar year: i.e. **اسفند** is usually 29 days, but every four years one day is added to it to make it 30 days for that year. Such a year is called 'leap year' and in Persian **سال کبیسه** (kæbisé year). A calendar shows which year is a leap year.

تمرین ۲ به سئوال‌های زیر جواب دهید:

- ۱- امروز چندم ماه ایرانی است؟
- ۲- در چه ماه شمسی هستیم؟
- ۳- ماه بعد چه ماه شمسی است؟
- ۴- ماه پیش چه ماه شمسی بود؟
- ۵- به سالنامه نگاه کنید و بگویید در چه ماه قمری هستیم؟
- ۶- ماه قمری بعد چه ماهی است؟
- ۷- ماه قمری گذشته چه ماهی بود؟
- ۸- دیروز چندم ماه شمسی ایرانی بود؟
- ۹- پارسال چه سال شمسی بود و چه سال قمری؟



درس هشتم

چهار فصل - Four seasons

spring	bahār	بهار
summer	tābestān	تابستان
autumn	pāiz	پاییز
winter	zemestān	زمستان
equal	mosāvi	مساوی
moderate	mo'tadel	معتدل
hot	garm	گرم
cold	sard	سرد
snow	barf	برف
rain	bārān	باران
storm	tufān	طوفان
long	boland	بلند
to bud	javāne zadan	جوانه زدن

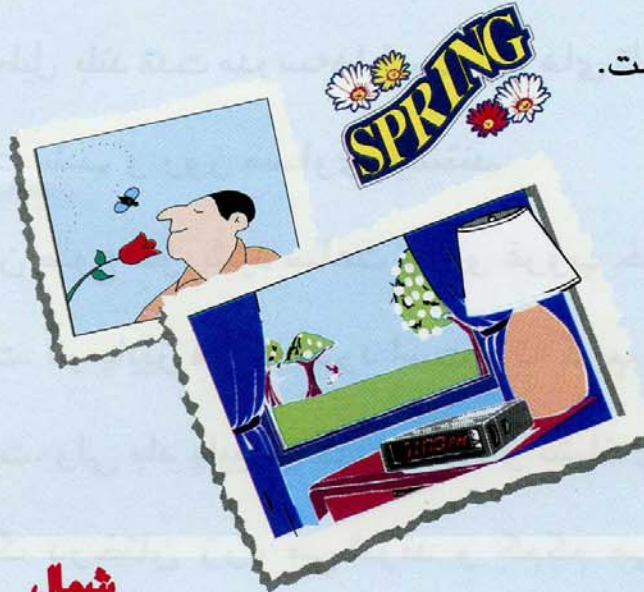


leaf	barg	برگ
ice	yakh	یخ
east	mashregh	مَشْرِق
west	maghreb	مَغْرِب
north	shomāl	شُمَال
south	jonub	جُنُوب
bear fruit	mive dādan	میوه دادن
to bloom	shokufe dādan	شکوفه دادن
to rise	tolu kardan	طلوع کردن
hail	tagarg	تگرگ
wind	bād	باد
burning	suzān	سوزان
direction	jahat	جَهَت
fall	rikhtan	ریختن
grow	sabz shodan	سبز شدن
to set (of the sun)	ghorub kardan	غروب کردن



یک سال شمسی چهار فصل دارد. بهار، تابستان، پاییز، زمستان
بهار فصل اول سال و زمستان فصل آخر سال است. هر فصل سه ماه
دارد و هر سال دوازده ماه.

در بهار هوا نه گرم و نه سرد، معتدل و خوب است. درختان کم کم جوانه
می‌زنند و سبز می‌شوند و شکوفه می‌کنند و بعد میوه می‌دهند. در بهار
شب و روز مساوی است.



این تصویر چهار جهت اصلی است:

مشرق، مغرب، شمال، جنوب

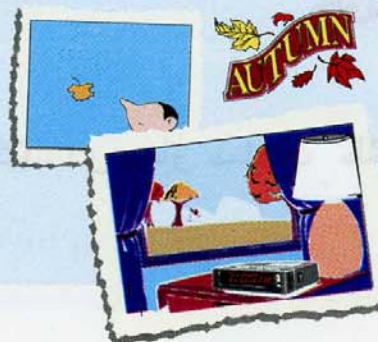
صبح خورشید از مشرق طلوع می‌کند. در بهار ساعت طلوع آن ۶ صبح
است.

خورشید در مغرب غروب می‌کند. در بهار ساعت غروب آن ۶ عصر است.



در تابستان هوا گرم می‌شود و در بعضی روزها خیلی گرم است و در بعضی جاها سوزان می‌شود. تابستان فصل میوه‌های گوناگون، گردش و فصل تعطیل بلند مدت مدرسه‌ها است. روزهای تابستان بلند و شب‌های آن کوتاه است. شب و روز مساوی نیستند.

در تابستان طلوع خورشید ساعت پنج و غروب خورشید ساعت هشت یا دیرتر است. در پاییز هوا نه سرد است و نه گرم. مثل بهار، هوای پاییزی معتدل است. ولی باد پاییزی گاهی سرد و نشانه‌ی نزدیک شدن زمستان است. برگ درختان زرد می‌شوند و کم‌کم می‌ریزند، ولی در پاییز رنگ درختان و طبیعت خیلی زیبا می‌شود. منظره پاییز دیدنی است. پاییز هم فصل خوبی برای ورزش جوانان است. در پاییز مثل بهار، شب و روز مساوی است و ساعت طلوع و غروب خورشید مثل بهار است.



در سه ماه زمستان هوا سرد و گاهی خیلی سرد است. بیشتر درختان برگ ندارند. زمستان فصل باد، باران، طوفان، برف، یخبندان و تگرگ است و برای جوانان و ورزشکاران فصل ورزش‌های زمستانی است. در این فصل روزها کوتاه و شب‌ها بلند می‌شوند. خورشید ساعت ۷ صبح طلوع و ساعت ۵ عصر غروب می‌کند.



You have seen that the suffix **ها** is used for making a noun plural. In this lesson you learned **درختان** and **جوانان** where **ان** is used to form the plural of **درخت** (tree) and **جوان** (youth). Here are other examples of **ان** for plural nouns.

مرد	(man)	مردان	(men)
زن	(woman)	زنان	(women)
پیر	(old one)	پیران	(old men or women)
کودک	(child)	کودکان	(children)
بزرگ	(great)	بزرگان	(great people)

Wait to see such plurals in future texts.

تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- هر سال چند فصل و چند ماه دارد؟
- ۲- آیا سال شمسی فصل ثابت دارد؟
- ۳- چرا سال قمری فصل ثابت ندارد؟
- ۴- در چه فصل‌هایی هوا معتدل است؟
- ۵- در چه فصل‌هایی شب و روز مساوی نیست؟
- ۶- در کدام فصل هوا گرم و در کدام فصل هوا سرد است؟
- ۷- یک سال چند هفته دارد؟
- ۸- هر ماه چند هفته دارد؟
- ۹- خورشید از چه جهتی طلوع می‌کند؟
- ۱۰- فصل تعطیل بلند مدرسه‌ها چه فصلی است؟

تمرین ۲ برای سؤال‌های زیر جواب بنویسید:

۱- روز تولد شما در چه سال و فصلی است؟

۲- چه فصلی را بیشتر دوست دارید؟ چرا؟

۳- چه نوع ورزشی را در چه فصلی انجام می‌دهید؟

۴- آیا شب‌های تابستان زود می‌خوابید؟ چه ساعتی؟

۵- آیا روزهای زمستان دیر بیدار می‌شوید؟ چه ساعتی؟

۶- در کدام فصل خیلی کار می‌کنید؟ چرا؟

۷- خانه‌ی شما در کدام جهت شهر است؟

۸- شهر شما در کدام جهت از کشور است؟

تمرین ۳ با هر کلمه از کلمات زیر یک جمله بسازید:

طوفان

سبز می‌شوند

شکوفه

میوه

برف

معتدل

شمال

برگ‌ها

منظره

آبی

Blank writing area with horizontal lines for student responses.

درس نهم

دوره‌های آموزشی - Education



education	āmuzesh	آموزش
educational	āmuzeshi	آموزشی
course	dore	دوره
preparatory	āmādegi	آمادگی
primary school	dabestān	دبستان
guidance school	rāhnamāi	راهنمایی
pupil of P.s -G.s - H.s	dānesh āmuz	دانش آموز
high school	dabirestān	دبیرستان
teacher of H.s.	dabir	دبیر
university	dāneshgāh	دانشگاه
college, faculty	dāneshkade	دانشکده
sciences	olum	علوم
branch	reshte	رشته

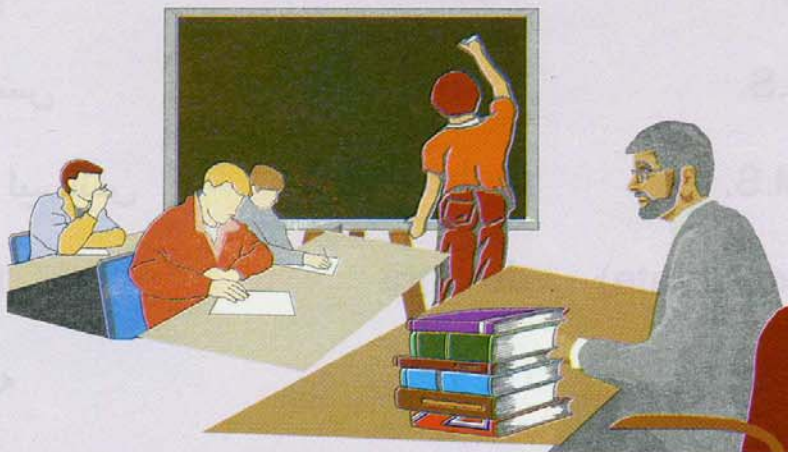
undergraduate	dāneshju	دانشجو
examination	emtehān	امتحان
literature	adabiāt	ادبیات
art	honar	هنر
to complete	tamām kardan	تمام کردن
to graduate	dareje gereftan	درجه گرفتن
basic	pāye	پایه
general	omumi	عمومی
subject	mozu'	موضوع
specialized	takhasosi	تخصصی
diploma	diplom	دیپلم
B.A., B.S.	lisāns	لیسانس
M.A., M.S.	foghe lisāns	فوق لیسانس
Ph.D. (doctorate)	doktorā	دکترا
degree	daraje	درجه
to pass	ghabul shodan	قبول شدن



این کودکان شش ساله هستند. آنها در مدرسه‌ی آمادگی مشغول بازی و یادگیری الفبا و نقاشی و کارهای آسان هستند و یک سال در این مدرسه خود را برای دبستان آماده می‌کنند. در این کلاس چند آموزگار با بچه‌ها کار می‌کنند.



از مدرسه‌ی آمادگی آنها که هفت سال دارند به دبستان می‌روند. در دبستان به بچه‌ها خواندن و نوشتن و موضوع‌های پایه‌ی علوم و ادبیات را در مدت پنج سال یاد می‌دهند و هر کلاس دو یا سه آموزگار دارد که به کودکان درس می‌دهند.



بعد از تمام کردن دوره‌ی پنج ساله‌ی دبستان، دانش آموزان به مدرسه‌ی راهنمایی خواهند رفت و سه سال در آن جا آموزش خواهند دید. در این مدت موضوع‌های دبستان را ادامه می‌دهند و کار آن‌ها سخت‌تر می‌شود و باید خوب کار کنند تا برای دبیرستان آماده شوند.

با قبول شدن در امتحان پایان دوره‌ی راهنمایی این دانش آموزان به دبیرستان خواهند رفت و سه سال در آن جانشته‌های علوم و ادبیات و موضوع‌هایی را که باید در دانشگاه ادامه دهند، خواهند خواند. دبیرستان باید دبیرهای خوب داشته باشد تا دانش آموزان را خوب برای دانشگاه آماده کند. ولی غیر از این سه سال دانش آموزان باید یک سال دوره‌ی پیش دانشگاهی را تمام کنند و در امتحان ورودی دانشگاه قبول شوند. در آن صورت به دانشگاه خواهند رفت. (پیش دانشگاهی (pre-university course)

در دانشگاه و دانشکده در سال اول موضوع‌های علمی یا ادبی دبیرستان را ادامه می‌دهند و در سال‌های بعد کم کم وارد رشته‌های تخصصی می‌شوند. این دانشجویان به مدت چهار سال یا شش سال و یا بیشتر با استادان خود کار می‌کنند و پس از پایان این دوره، درجه‌ی لیسانس و بعد فوق لیسانس و بعد عالی‌ترین درجه یعنی دکترا را می‌گیرند و متخصص یک رشته می‌شوند.



In this lesson are given some examples of the future tense, such as **خواهند رفت** (meaning 'they will go') and **خواهند خواند** (meaning 'they will study'). In Persian the future tense is made with the infinitive without **ن** (like past tense) and the various forms the infinitive of **خواستن** (to want)

(we will go)	خواهیم رفت (I will go)	خواهم رفت
(you will go) (plural)	خواهید رفت (you will go) (singular)	خواهی رفت
(they will go)	خواهند رفت (he, she will go)	خواهد رفت

In the word **خواستن** the letter **و** is silent and the word is pronounced "khāstan". We have already said that the simple present tense is also used to show future action with the addition of a word indicating future time, such as

(tomorrow = فردا)

فردا به سفر می‌روم

(the day after tomorrow = پس فردا)

پس فردا به تهران می‌رسد

When future action is intended, we use the imperative form of the verb with a word meaning wish, necessity, probability, liking, willingness e.g.



I must go.

من باید بروم.

He may come.

او شاید بیاید.

You wish to sleep (singular).

تو می‌خواهی بخوابی.

We are willing to go to the cinema.

ما مایلیم به سینما برویم.

You like to sing.

شما دوست دارید آواز بخوانید.

They don't want to travel.

آنها نمی‌خواهند سفر کنند.

All the above Persian verbs begin with **ب** which is similar to the imperative form of that verb.

تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- کودک پس از دوره‌ی آمادگی به کدام مدرسه خواهد رفت؟
- ۲- نام کودکان دبستانی چیست؟
- ۳- نام معلمان دبستان و مدرسه راهنمایی چیست؟
- ۴- در دبیرستان چه موضوع‌هایی را دبیران درس می‌دهند؟
- ۵- دانش‌آموزان دبیرستان در کجا ادامه‌ی آموزش می‌دهند؟

تمرین ۲ با استفاده از کلمات زمانی و مصدر، جمله‌هایی با زمان آینده بسازید:

- ۱- در فردا (سفرکردن) to travel
- ۲- ماهفته‌ی دیگر (برگشتن) to return
- ۳- آن‌ها یک ساعت بعد (آمدن) to come
- ۴- شما بزودی (شنیدن) to hear
- ۵- تو سال بعد (رفتن) to go
- ۶- من پس فردا (کارکردن) to work

تمرین ۳ جمله‌های زیر را با تغییر کلمات زمانی تبدیل به آینده کنید:

۱- دیشب باران آمد.

۲- دیروز کوه پر از برف شد.

۳- حالا کتاب می‌خوانم.

۴- این درس خیلی آسان است.

۵- جواب شما را آموزگار می‌دهد.

تمرین ۴ با هر کلمه از کلمات زیر یک جمله بسازید:

۱- شاید

۲- باید

۳- می‌خواهیم

۴- می‌تواند can

۵- میل دارند they like

۶- نباید must not

درس دهم

دیدار و تعارفات - meeting and greeting

meeting	didār	دیدار
greetings ceremonials	ta'ārofāt	تعارفات
classmate	hamkelāsi	همکلاسی
one's condition	hāl	حال
study	tahsil	تحصیل
to continue	edāme dādan	ادامه دادن
to be satisfied	rāzi budan	راضی بودن
to wish	māyel budan	مایل بودن
to make a date	gharār gozāshtan	قرار گذاشتن
to arrange	tartib dādan	ترتیب دادن
to remain	māndan	ماندن
engineering	mohandesi	مهندسی
engineer	mohandes	مهندس



electricity	bargh	برق
construction	sākhtemān	ساختمان
opportunity	forsat	فُرصَت
office	edāre	اداره
bureau	daftar	دفتر
telephone number	shomāre telefon	شماره تلفن
address	neshāni	نشانی
good-bye	khodā negahdār	خدانگهدار
hope to see you	be omide didār	به امید دیدار



The word **تعارفات** is the plural of **تعارف** meaning ceremonial words' which are exchanged in a conversation such as **بفرمایید** meaning "after you" on entering a place, or "you first" in offering food and edibles. **حال شما چطور است؟** means 'how are you?' **خدانگهدار** actually means 'may God keep you' **به امید دیدار** means "hoping to see you" or "see you soon".

In the following dialog two former classmates happen to meet each other in the street.



آقای روشن: سلام، آقای صفا.

آقای صفا: سلام، آقای روشن. حال شما چطور است؟

آقای روشن: خوب است، متشکرم، شما چطورید؟

آقای صفا: من هم بد نیستم همکلاسی سابق! مدت زیادی است شما را ندیده‌ام.

آقای روشن: درست می‌فرمایید. من در ایران نبودم.

آقای صفا: پس اینطور! به گردش رفته بودید؟

آقای روشن: نه، برای ادامه‌ی تحصیل پس از دبیرستان به انگلستان رفته بودم و در دانشگاه منچستر رشته مهندسی برق را خواندم و حالا پس از پنج سال به ایران بازگشته‌ام.

آقای صفا: چه خوب! تبریک می‌گویم (تبریک گفتن = congratulate)

آقای روشن: متشکرم، شما پس از دبیرستان چه می‌کردید؟

آقای صفا: من در ایران ماندم و به دانشگاه تهران رفتم و در رشته‌ی

مهندسی ساختمان کار می‌کنم.

آقای روشن: حالا من به شما تبریک می‌گویم. شدیم دو مهندس همکلاس!

این روزها چه کاری می‌کنید؟

آقای صفا: در دفتر خودم کار می‌کنم. شما چطور؟

آقای روشن: در یک اداره کار گرفته‌ام و راضی هستم.

آقای صفا: مایلید یکدیگر را بیشتر ببینیم؟

آقای روشن: البته، در این کارت شماره تلفن و نشانی مرا می‌بینید.

آقای صفا: بفرمایید. این هم شماره تلفن و نشانی من.

آقای روشن: فردا به شما زنگ می‌زنم و قرار می‌گذاریم و ترتیبی برای

دیدار بعد با هم می‌دهیم. از دیدن شما خوشحال شدم. (خوشحال = glad)

آقای صفا: من هم خوشحال شدم. منتظر تلفن شما هستم.

آقای روشن: خدا نگهدار.

آقای صفا: خدا نگهدار. به امید دیدار.



In this lesson you saw some examples of present perfect like **ندیده‌ام** and past perfect like **رفته بودم**. For both these tenses we use the past participle of a verb, namely infinitive without **ن** and add **ه** (hé) to get **دیده** and **رفته**.

To each participle we add these suffixes to form present perfect:



I have seen	دیده‌ام	We have seen	دیده‌ایم
You have seen (singular)	دیده‌ای	You have seen (plural)	دیده‌اید
He, or she has seen	دیده‌است	They have seen	دیده‌اند

For past perfect we add the following form of the verb **بودن**

I had gone	رفته بودم
You had gone (singular)	رفته بودی
He, or she had gone	رفته بود
We had gone	رفته بودیم
You had gone (plural)	رفته بودید
They had gone	رفته بودند



تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- آیا این دو نفر از یک خانواده هستند؟
- ۲- آقای روشن کجا رفته بود؟
- ۳- در چه رشته ای تحصیل کرده‌است؟
- ۴- آیا آقای صفا از ایران به انگلستان رفته بود؟
- ۵- او در کجا تحصیل کرده است و در چه رشته‌ای؟
- ۶- آن‌ها چه قراری با هم گذاشته اند؟

تمرین ۲ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- شما در چه دبستانی تحصیل کرده‌اید؟
- ۲- در کدام شهر برای تحصیل بوده‌اید؟
- ۳- آیا به مدرسه آمادگی رفته‌اید؟
- ۴- آموزگار انگلیسی شما چه کسی بوده است؟
- ۵- پارسال به کجا برای گردش رفته بودید؟



The prefix **هم** meaning 'with , or together' is used to make compound nouns, such as:

classmate	meaning	همکلاسی
school fellow	meaning	هم مدرسه‌ای
colleague	meaning	همکار
fellow travelers	meaning	هم سفر
roommate	meaning	هم خانه
spouse	meaning	همسر
playmate	meaning	هم بازی



تمرین ۳ جمله‌های زیر را تبدیل به ماضی نقلی (present perfect) کنید:

- ۱- این کتاب را او نوشت.
- ۲- من به خانه بر می‌گردم.
- ۳- آن‌ها به سینما خواهند رفت.
- ۴- شما آن‌ها را ندیدید.
- ۵- تو دیشب ده ساعت خوابیدی.

تمرین ۴ جمله‌های تمرین ۳ را تبدیل به ماضی بعید (past perfect) کنید:

درس یازدهم

خانه‌ی ما Our house

newly-built	nosāz	نوساز
storey	tabaghe	طبقه
small garden	bāghche	باغچه
lawn	chaman	چمن
room	otāgh	اتاق
kitchen	āshpazkhāne	آشپزخانه
sitting room	neshiman	نشیمن
dining room	nāhārkhori	نهارخوری
reception	pazirāi	پذیرایی
stairs	pelekān	پلکان
store	anbār	انبار
basement	zirzamin	زیر زمین
worker	kārgar	کارگر



to warm	garm kardan	گرم کردن
parking	pārking	پارکینگ
bathroom	hammām	حمام
washstand, washroom	dast shui	دست شویی
toilet	tuvālet	توالت
sleeping	khāb	خواب
to be equipped	mojahaz budan	مُجهز بودن
means, implements	vasāyel	وسایل
courtyard	hayāt	حِیاط
guest	mehmān	مِهمان
comfortable	rāhat	راحت
to cook	pokhtan	پختن
to clean	tamiz kardan	تمیز کردن
to cool	khonak kardan	خنک کردن
balcony	eivān	ایوان
take care of	tavajoh kardan	توجه کردن



وسایل is the plural of **وسیله** meaning 'tool'

پلکان is the plural of **پله** meaning 'stair'.

باغچه is a compound word of **باغ** meaning garden.

When **چه** is added to a noun, it makes the noun diminutive e.g.

(little garden) **باغچه** (garden) **باغ**

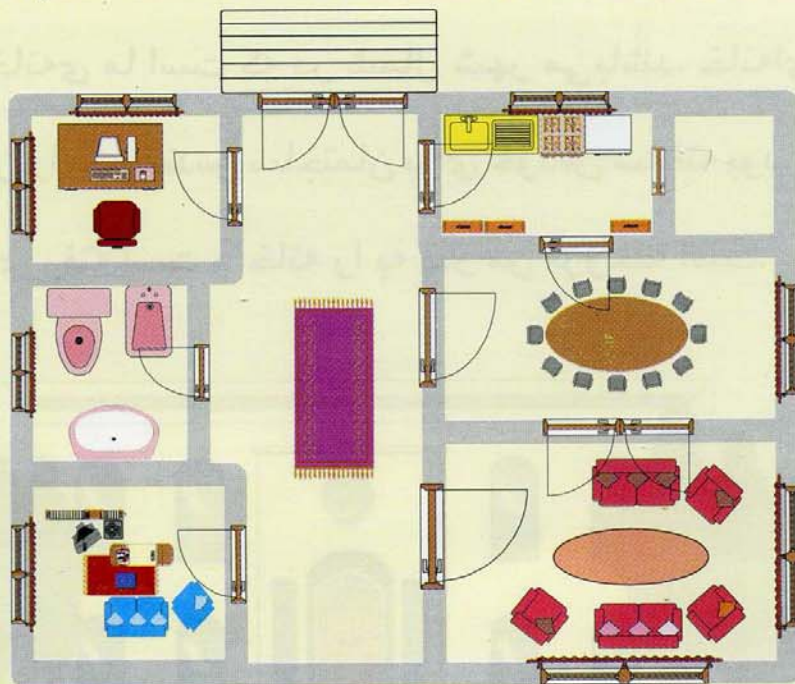
(window, small door) **دریچه** (door) **دَر**

(small pool) **حوضچه** (pool) **حوض**

این تصویر خانه‌ی ما است که در شمال شهر می‌باشد. خانه‌ای نوساز و راحت است. آن را یک مهندس ساختمان برای خودش ساخته بود. این مهندس به شهر دیگری رفته است و خانه را به پدر من فروخته است.

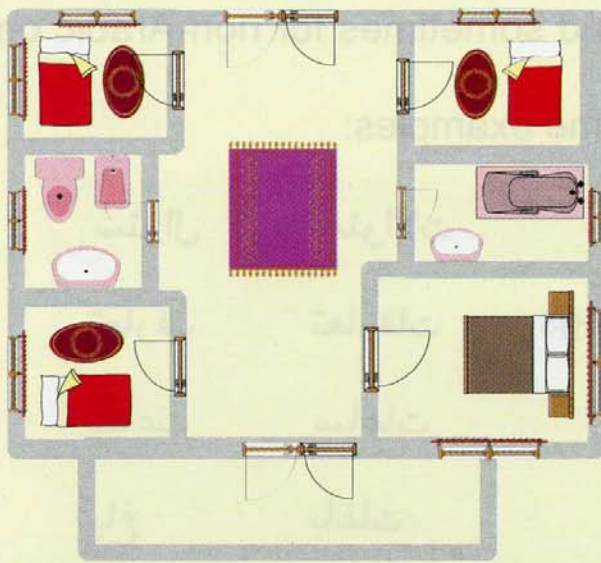


این خانه دو طبقه دارد که طرح آن را در این جا می بینید. این طبقه ی اول (یا همکف) است که در ورودی آن در جنوب و بعد از باغچه است. در سمت راست انبار، آشپزخانه، نهارخوری و اتاق پذیرایی می باشد که در آن جا از مهمان یا مهمانان پذیرایی می کنیم. در سمت چپ یک اتاق کار، دست شویی و توالت و اتاق نشیمن قرار دارد و پلکان کنار آشپزخانه به زیر زمین و انبار آن و پلکان دیگر به طبقه دوم می رود.



باغچه در حیاط جلوی طبقه اول می باشد و دارای چمن سبز و گل و درخت است. ما عصرها گاهی در آن جا می نشینیم. من و پدرم به باغچه رسیدگی می کنیم.

این یکی طرح طبقه‌ی دوم است که دارای چهار اتاق خواب، یک حمام، دو دست شویی و یک توالت است. میان آن‌ها سَرَسَرا و یک ایوان رو به باغچه قرار دارد.



این خانه مجهز به وسایل گرم کردن و خنک کردن تمام اتاق‌ها و حمام و توالت و دست شویی و آشپزخانه می‌باشد.

مادر و خواهرم در آشپزخانه غذا می‌پزند. برای اتومبیل ما هم در گوشه‌ی حیاط پارکینگ بزرگی با دو در قرار دارد. یک در برای ماشین و یک در برای ورود ما و دیگران.

یک کارگر هفته‌ای یک بار به خانه‌ی ما می‌آید و در سه یا چهار ساعت اتاق‌ها را تمیز می‌کند.

In Arabic **ات** is a kind of suffix that is used for making a noun plural. In Persian in addition to the suffixes **ها** and **آن** which are used to make a noun plural, the Arabic suffix is used with words with Arabic origin and sometimes for non-Arabic ones to make plurals. Here are some examples:

questions	سئوالات	سئوال
ceremonial greetings	تعارفات	تعارف
hours	ساعات	ساعت
gardens	باغات	باغ
gatherings	جماعات	جماعت
dirty things	کثافات	کثافت
superstitions	خرافات	خرافه



Sometimes instead of **ات** the suffix **جات** is used. Such as:

fruits	میوه جات	میوه
drugs	دواجات	دوا
factories	کارخانه جات	کارخانه
vegetables	سبزیجات	سبزی



تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- این خانه، خانه‌ی چه کسی بوده‌است؟
- ۲- حالا خانه‌ی کیست؟
- ۳- آیا خیلی سال است که این خانه ساخته شده است؟
- ۴- اتاق خواب‌ها در کجا قرار دارند؟
- ۵- اتاق پذیرایی برای چیست؟
- ۶- اتاق نشیمن برای چیست؟
- ۷- از ایوان و حیاط چه استفاده‌ای می‌شود؟
- ۸- کار تمیز کردن اتاق‌ها با کیست؟
- ۹- کار رسیدگی به باغچه با کیست؟
- ۱۰- غذا را چه کسی می‌پزد؟

تمرین ۲ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- منزل شما کجاست؟
- ۲- چند نفر در خانه‌ی شما زندگی می‌کنند؟

- ۳- خانه‌ی شما چند طبقه و چند اتاق دارد؟
- ۴- آیا برای کار خود اتاق دارید؟
- ۵- کار تمیز کردن خانه‌ی شما با کیست؟
- ۶- نهار و شام و صبحانه را چه کسانی در خانه‌ی شما آماده می‌کنند؟
- ۷- آیا خانه‌ی شما راحتی است؟
- ۸- از مهمانان خود در کجا پذیرایی می‌کنید؟



درس دوازدهم

خرید Shopping

shopping	kharid	خرید
to buy	kharidan	خریدن
buyer	kharidār	خریدار
to sell	forukhtan	فروختن
seller	forushande	فروشنده
store	forushgāh	فروشگاه
sorts	anvā'	انواع
goods	kālā	کالا
shop	maghāze	مغازه
shop	dokkān	دوکان
edibles	khorāki	خوراکی
clothes	pushāk	پوشاک
utensils	zoruf	ظروف



bazaar, market

bāzār

بازار



shelf

ghafase

قفسه

to obtain

tahye kardan

تهیه کردن

to pack

baste bandi

بسته بندی

to arrange

chidan

چیدن

to spend

kharj kardan

خرج کردن

cheap

arzān

آرزان

expensive

gerān

گران

suitable

monāseb

مناسب

some

meghdāri

مقداری

meter

metr

متر

kilo

kilo

کیلو

meat

gusht

گوشت

price

gheymat

قیمت

cloth

parche

پارچه

necessary

lāzem

لازم

خانم پارسی برای خرید هفته‌ای یک بار به فروشگاه نزدیک خانه می‌رود و کالاهای لازم را برای آن هفته می‌خرد. فروشگاه نزدیک خانه نیست، ولی بهتر از خرید در چندین مغازه و دکان است.



در فروشگاه انواع کالاها مانند خوراکی، پوشاک، ظروف و چیزهای دیگر تهیه می‌شود. هر کالا بسته‌بندی می‌شود، در قفسه‌ها چیده می‌شود و بعد فروخته می‌شود. خانم پارسی اول دو سه متر پارچه برای آشپزخانه خرید. پارچه‌ها گران بودند ولی او پارچه ارزان‌تری دید و آن را خرید چون پول زیادی با خود نداشت. بعد چند صابون و یک حوله و دو مسواک خرید و آن‌ها را به دست پسرش داد که همراه او بود. از همان فروشگاه دو کیلو گوشت و مقداری میوه و سبزیجات خرید و دیگر پول زیادی برای او نمانده بود. در این خرید صد هزار ریال خرج کرده بود و پول کمی در کیف داشت که باید آن را هم کرایه‌ی تاکسی می‌داد.

ظروف is the plural of ظرف meaning “utensils”. متر and کیلو are words borrowed from European languages but ریال and تومان are Persian monetary units.

In Persian the passive verb is made by using the various tenses of شدن (to become) with the past participle of the required verb.

In this lesson you have these examples from the verb تهیه کردن we get تهیه می‌شوند meaning “are obtained”; and from بسته بندی کردن we get بسته بندی می‌شود meaning “is packed”; and from چیدن we get چیده می‌شوند meaning are “arranged”; and from فروختن we get فروخته می‌شوند meaning “are sold”. as you know, a passive verb is used for one of the following reasons:

1. We don't know who the doer is.
2. We may not need to mention the doer
3. The object of the verb has taken the place of the subject meaning the doer of action

Therefore only the verbs which require an object can be made passive: such as رفتن, خریدن, گفتن, دیدن, فروختن but a verb like رفتن

نشستن، آمدن need no object and thus they cannot be turned into passive.

But when we need to mention the doer of an action in a passive sentence, we do so with the addition of **به وسیله‌ی** (meaning 'by' or 'with the aid of')

Active sentence: او کتاب می‌نویسد becomes

Passive: کتاب نوشته می‌شود (no mention of the doer)

کتاب به وسیله‌ی او نوشته می‌شود (mention by the doer)

زمان‌های فعل **شدن** برای سوم شخص مفرد:

continuous present می‌شود

simple present می‌شود

simple past شد

continuous past می‌شد

future خواهد شد

present perfect شده است

past perfect شده بود

تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- خانم پاریسی برای خرید به کجا می‌رود؟
- ۲- آیا پارچه‌ها ارزان بودند؟ پارچه را برای چه خرید؟
- ۳- از مواد خوراکی چه چیزهایی خرید؟
- ۴- چرا او به دکان‌های دیگر نمی‌رود؟
- ۵- کالاهای فروشگاه در کجا قرار داشتند؟
- ۶- چرا پسرش را با خود برده بود؟



تمرین ۲ جملات زیر را تبدیل به جمله‌ی مجهول کنید:

- ۱- مادرش کتابی برای او خرید.
- ۲- مردم به نیکی از او یاد می‌کنند.
- ۳- اتاق‌ها را رنگ خواهم زد.
- ۴- ما این فیلم را نشان دادیم.

درس سیزدهم

میوه‌ها و سبزیجات Fruits and Vegetables

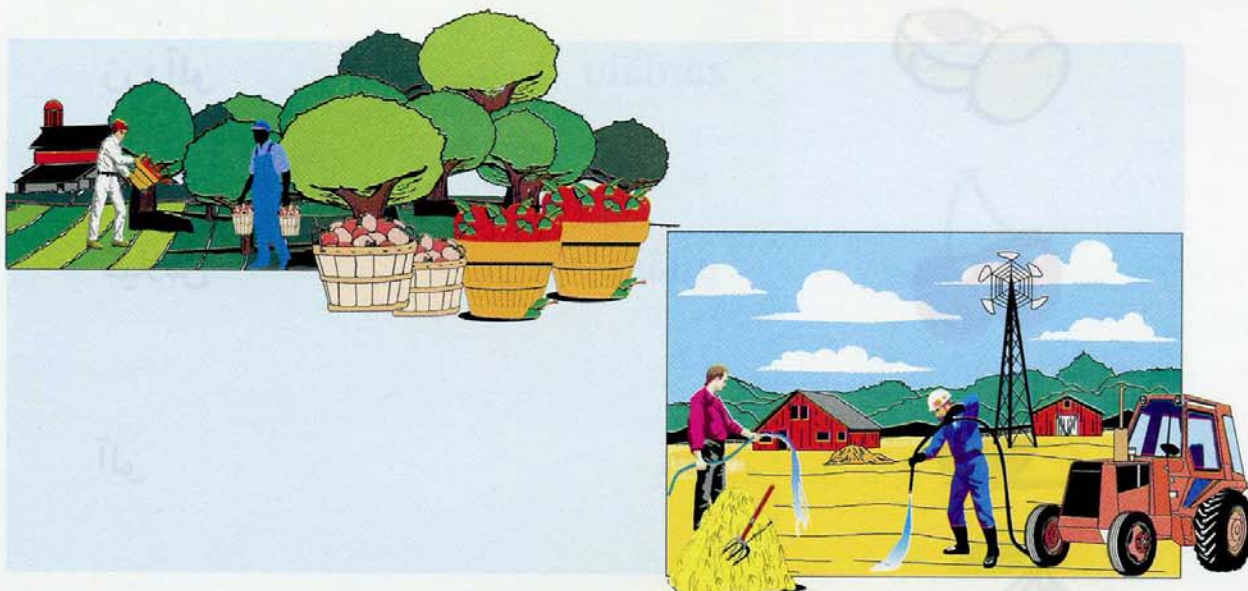
garden	bustān	بوستان
village	rustā	روستا
land	zamin	زمین
crop	mahsul	محصول
fruit	mive	میوه
vegetable	sabzi	سبزی
to get	bedast āvardan	به دست آوردن
plenty	farāvān	فراوان
of high quality	āli	عالی
to send	ferestādan	فرستادن
box	ja'be	جعبه
spreying	sampāshi	سم پاشی
well-arranged	moratab	مرتب



to pick	chidan	چیدن
to mention	zokr kardan	ذکر کردن
to ripen	residan	رسیدن
to grow	be amal āvardan	به عمل آوردن
only	faghat	فَقَط
brief	mokhtasar	مختصر
some	ba'zi	بعضی
irrigating	ābyāri	آبیاری



این درس، درس میوه‌ها و سبزی‌هاست. ولی چون این درس کوتاه است فقط بعضی از آن‌ها ذکر می‌شوند. آقای کشاورز یک باغ بزرگ میوه در یک روستای نزدیک شهر دارد که پر از درختان میوه است و چند باغبان برای او کار می‌کنند و آن را آبیاری و سم پاشی می‌کنند. غیر از این بوستان او یک زمین هم نزدیک آن باغ دارد که در آنجا انواع سبزی‌ها به عمل می‌آید و در آن هم چند کارگر دیگر زمین را آماده می‌کنند و کارهای لازم را انجام می‌دهند و بعد محصول باغ و زمین را مرتب در جعبه‌ها می‌چینند و به بازار شهر برای فروش می‌فرستند. این محصول‌ها همه خوب و عالی است و خریدارهای زیادی دارند.



بعضی از این میوه‌ها در بهار می‌رسند.
بعضی از میوه‌ها در تابستان به دست
می‌آیند.

بعضی دیگرشان را مثل سیب می‌توان
در تمام سال خرید.



sib

سیب



tut farangi

توت فرنگی



zardālu

زردآلو



gilās

گیلاس



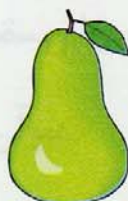
ālu

آلو



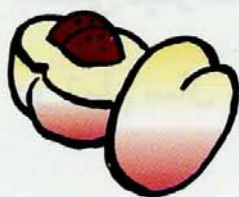
ālbālu

آلبالو



golābi

گلابی



holu

هلو



porteghāl

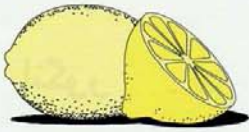
پرتقال

این میوه‌ها در شمال ایران به عمل می‌آید
و در بعضی جاهای دیگر هم هست.



nārangi

نارنگی



limu torsh

لیمو ترش



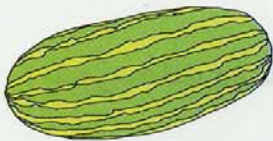
limu shirin

لیمو شیرین



tālebi

طالبی



kharboze

خربزه



hendevāne

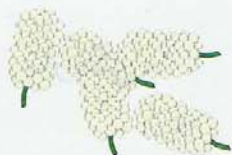
هندوانه



khiyār

خیار

در ایران میوه فراوان است. بعضی از آن‌ها ارزان و بعضی گران است.



tut

توت



angur

انگور

توت همیشه درختی است

خُرما و موز در جنوب ایران به عمل می آید.



khormā

خُرما



moz

موز

موز همیشه در همه جا

سبزیجات در همه جای ایران به عمل می آید و فراوان است.



piyāz

پیاز



sib zamini

سیب زمینی



kadu

گدو



kāhu

کاهو



bādemjān

بادمجان



goje

گوجه فرنگی

مقدار زیادی از این میوه‌ها مثل سیب، خرما، پرتقال و غیره به خارج از ایران فرستاده می‌شود و بعضی هم مثل موز از خارج به ایران وارد می‌شود.

وارد کردن = to import فرستادن = صادر کردن = to export

We get the plural nouns **صادرات** meaning “exports” and **واردات** meaning “imports”.

تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- آقای کشاورز میوه‌های خود را از کجا به دست می‌آورد؟
- ۲- او سبزیجات را از کجا به دست می‌آورد؟
- ۳- کارگران باغ او چه کارهایی انجام می‌دهند؟
- ۴- کارگران زمین او چه کاری می‌کنند؟
- ۵- چه میوه‌هایی در بهار به دست می‌آیند؟
- ۶- چه میوه‌هایی در تابستان می‌رسند؟
- ۷- چه میوه‌هایی به خارج صادر می‌شود؟
- ۸- چه میوه‌هایی وارد می‌شود؟
- ۹- آقای کشاورز میوه‌ها و سبزیجاتش را در کجا می‌فروشد؟
- ۱۰- میوه‌ها و سبزی‌ها را به چه صورت می‌فرستد؟

تمرین ۲ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- نام چه میوه‌های دیگری را به فارسی می‌دانید؟
- ۲- چه سبزی‌های دیگری را می‌توانید به فارسی ذکر کنید؟



۳- آیا شما کار باغبانی و کشاورزی را دوست دارید؟

۴- آیا خانواده‌ی شما بوستان یا زمین کشاورزی دارند؟

کشاورزی = agriculture

۵- از میوه‌ها کدام را خیلی دوست دارید؟

۶- کدام یک از سبزیجات زیاد در خانواده‌ی شما استفاده می‌شود؟

۷- چه میوه‌هایی بهاری و چه میوه‌هایی تابستانی است؟

۸- آیا توت فرنگی روی درخت به عمل می‌آید یا روی زمین؟

۹- گوجه فرنگی برای چه غذایی خوب است؟

۱۰- آیا خرما در جای گرم به عمل می‌آید یا در جای سرد؟

میوه‌ها = میوه‌جات سبزی‌ها = سبزیجات



درس چهاردهم

گل‌ها و درختان Flowers and trees

to grow	parvaresh dādan	پرورش دادن
flower garden	golzār	گلزار
flower garden	baghe gol	باغ گل
pest	āfat	آفت
manure	kud	کود
fertile	hāselkhiz	حاصل خیز
florist	golkār	گل کار
gift	hediye	هدیه
mountain	kuhestān	کوهستان
flower garden	golestān	گلستان
florist's store	gol forushi	گل فروشی
pot	goldān	گلدان
of clay	sofāli	سفالی



potted	goldāni	گلدانی
cut	boride	بریده
bouquet	daste gol	دسته گل



آقای گلستانی یک گل کار است که باغ گل بزرگی نزدیک کوهستان دارد و در آنجا انواع گل‌های ایرانی و خارجی را پرورش می‌دهد و برای آن‌ها جای مناسب و هوای مناسب تهیه می‌کند. چند نفر باغبان او را در کار آبیاری و سم‌پاشی کمک می‌کنند تا گل‌ها آفت نزنند. در فصل مناسب گل‌ها را در زمین یا در گلدان سفالی می‌کارند و در موقع مناسب آن‌ها را به صورت بریده و گلدانی به گل‌فروشی خود در شهر می‌فرستند و در آنجا به فروش می‌رسند. خریداران گل آن‌ها را به صورت بریده یا دسته گل یا گلدانی می‌خرند و به دوستان خود هدیه می‌دهند یا منزل خود را با آن‌ها تزیین می‌کنند.

(تزیین کردن = to adorn)



narcissus

narges

نرگس



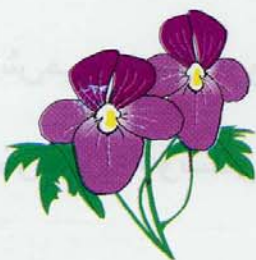
rose golesorkh گل سرخ



carnation mikhak میخک



hyacinth sonbol سنبل



violet banafshe بنفشه



geranium shamdāni شمعدانی



tulip

lāle

لاله



sunflower

āftāb gardān آفتاب گردان



daisy

dāvudi

داودی



lily

susan

سوسن



anemone

shaghāyegh

شقایق



dahlia

kokab

کوکب



jasmine yāsaman یاسمن



iris zanbagh زنبق



lilac yās یاس

آقای گلستانی درخت هایی را هم پرورش می دهد که نام بعضی از آنها در این جا ذکر می شود. نام گل ها و درختان خیلی زیاد است و نمی توان تمام آنها را در این درس کوتاه ذکر کرد. فقط نام گل ها و درختانی در اینجا ذکر شده که همه ی

مردم آنها را می شناسند. شناختن = to recognize - to be familiar with

نجار = carpenter جنگل = wood - forest - jungle بریدن = to cut down

اره کردن = to saw سوخت = fuel تزئینی = decorative چوب = wood

چوبی = wooden سایه = shelter - shadow ساختن = to make - to build

تصفیه ی هوا = purify the air تخته = board - plank

بید

willow

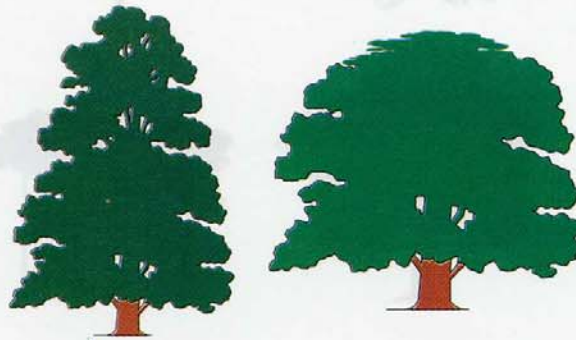


چنار

plane

آفرا

maple



نارون

elm

کاج

pine



سرو

cypress

سرو آزاد

cedar



آقاقیا

acacia

بکَوط

chestnut



صِنوَبِر

fir

زبان گنجشک

ash

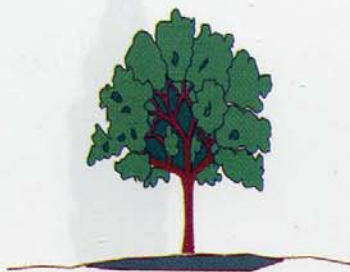


تَبْرِیْزِی

poplar

سِدِر

lute



نَخل

palm

گِرَدو

walnut



هَمیشَه بهار

evergreen

این درختان چند استفاده برای انسان دارند. درخت‌های بزرگ سایه می‌دهند و در مقابل گرمای خورشید انسان را حفظ می‌کنند. درخت‌هایی هم برای تزیین باغچه و خیابان و شهر بکار می‌روند و هوا را تصفیه می‌کنند. از برگ خشک درختان کود می‌سازند. از چوب درختان وسایل چوبی مثل میز و صندلی و در و پنجره ساخته می‌شود و یا به صورت تخته برای کارهای دیگر آماده می‌شود. از شاخه‌های درخت برای سوخت استفاده می‌شود.

حفظ کردن = to protect گرما = heat انسان = human being



تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- از گل‌ها چه استفاده‌ای می‌شود؟
- ۲- چه گلی را بیشتر دوست دارید؟
- ۳- چه گل‌هایی بوی خوش دارند؟
- ۴- چه گلی در باغچه‌ی خود به عمل می‌آورید؟
- ۵- چه گلی زیباترین گل است؟

تمرین ۲ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- چه درختی از همه درخت‌ها مفیدتر است؟
- ۲- کدام درخت را بیشتر دوست دارید؟
- ۳- در باغچه‌ی خود چه درختی دارید؟
- ۴- از درخت‌های جنگلی چه استفاده‌ای می‌شود؟
- ۵- چند تا وسیله‌ی چوبی را نام ببرید؟

تمرین ۴ برای پاسخ‌های زیر پرسش تهیه کنید:



A large orange writing area with a large, faint question mark in the background. It contains five horizontal lines for writing.

۱- باغبان‌ها آبیاری

می‌کنند.

۲- به گل فروشی فرستاده

می‌شوند.

۳- کالای چوبی می‌سازد.

۴- باید آن‌ها را حفظ کنیم.

۵- او یک گل کار است.



درس پانزدهم

Living creatures موجودات زنده

creatures	mojudāt	موجودات
animals	heivānāt	حیوانات
birds	parandegān	پرندهگان
domestic	ahli	آهلی
reptiles	khazandegān	خزندگان
wild	vahshi	وحشی
insects	hasharāt	حشرات
herbivorous	giyāh khār	گیاهخوار
hunting	shekāri	شکاری
carnivorous	gusht khār	گوشتخوار
aquatic	ābziyān	آبزیان
the Earth	koreye zamin	کره‌ی زمین
zoo	bāghe vahsh	باغ وحش



بر روی کره‌ی زمین انواع موجودات زندگی می‌کنند. بعضی از آن‌ها اهلی و با انسان دوست هستند، ولی بیشتر آن‌ها وحشی می‌باشند و با انسان دوست نیستند. بیشتر آن‌ها گیاه‌خوارند و بعضی هم گوشت‌خوار می‌باشند و نام آن‌ها شکاری است و موجودات زنده را شکار می‌کنند و می‌خورند.



موجودات زنده چند گروه هستند:

۱- حیوانات ۲- پرندگان ۳- خزندگان ۴- حشرات

حیوانات زیر اهلی هستند و بار می‌برند و به انسان سواری می‌دهند.

بار بردن = to carry loads سواری دادن = to let ride



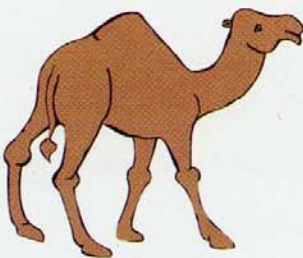
اسب

asb



خر- الأاغ

olāgh-khar



شتر

Shotor

این حیوانات اهلی هستند و از شیر و گوشت و پوست گاو و گوسفند و بز استفاده می شود. اما موش به انسان ضرر می زند و دزدی می کند.

ضرر زدن = to cause loss دزدی کردن = to steal



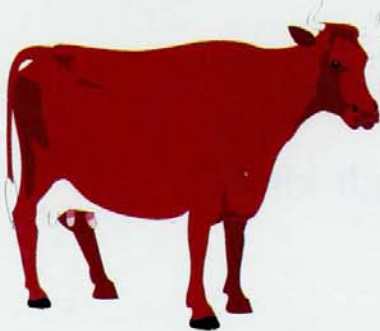
گربه

gorbe



سگ

sag



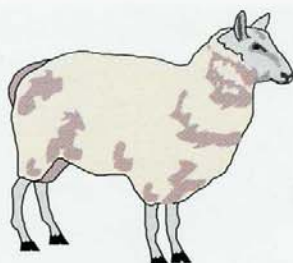
گاو

gāv



موش

mush



گوسفند

gusfand



بُز

boz

این حیوانات که در جنگل و کوه و صحرا زندگی می‌کنند شکاری و گوشت خوار می‌باشند و گوشت حیوانات گیاه‌خوار غذای آن‌ها است.



گُرگ

gorg



شیر

shir



خرس

khers



ببر

babr



روباه

rubāh

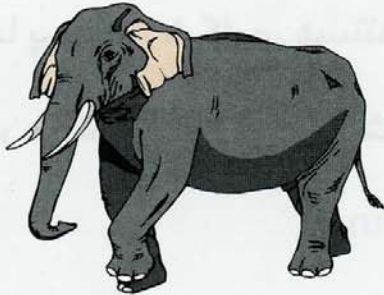


پلنگ

palang

آهو و گوزن گیاه خوار هستند و شکار می شوند. اما حیوانات شکاری به

فیل و کرگدن حمله نمی کنند. حمله کردن = to attack



فیل

fil



آهو

āhu



کرگدن

kargadan



گوزن

gavazn



میمون

meimun



زرافه

zarāfe

این‌ها پرندگان شکاری هستند و پرندگان دیگر و بعضی حیوانات کوچک را



شاهین

شکار می‌کنند.

shāhin



عقاب

oghāb

این پرندگان کوچک اغلب شکار می‌شوند.



کبوتر

kabutar



کلاغ

kalāgh



گنجشک

gonjeshk



بُلبُل

bolbol

این پرندگان بیشتر در آب زندگی می کنند، اما قو و مرغابی زیاد شکار می شوند.



قو

ghu



مرغابی

morghābi



پنگوئن

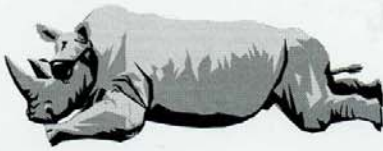
panguan



پلیکان

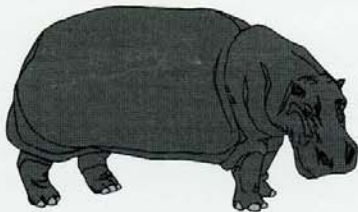
pelikān

این دو حیوان بزرگ آب را دوست دارند ولی خیلی وحشی هستند.



کرگدن

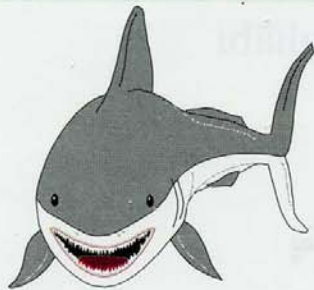
kargadan



اسب آبی

asbe ābi

ماهی‌ها شکار انسان می‌شوند. کوسه دشمن انسان و دلفین دوست اوست.



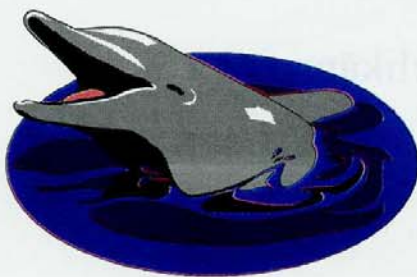
کوسه

kuse



ماهی‌ها

māhihā



دلفین

dolfin



قورباغه

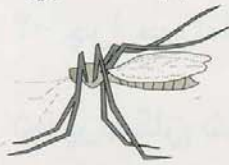
ghurbāghe

بیشتر این حشرات به انسان آسیب می‌رسانند ولی زنبور عسل حشره‌ی مفیدی است و انسان آن را پرورش می‌دهد و تعداد آن را روز به روز زیادتر می‌کند.



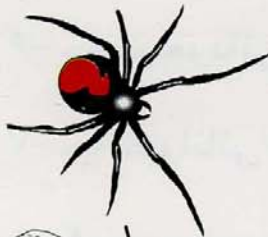
زنبور

zanbur



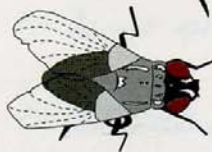
پشه

p Ashe



عنکبوت

ankabut



مگس

magas



زنبور عسل

zanbure asal



سوسک

susk

تمرین‌ها

تمرین ۱ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

- ۱- شیر و پلنگ در کجا زندگی می‌کنند؟
- ۲- آیا گرگ گوشت‌خوار است یا گیاه‌خوار؟
- ۳- ببر چه حیواناتی را شکار می‌کند؟
- ۴- چرا حیوانات شکاری به فیل و کرگدن حمله نمی‌کنند؟
- ۵- پرندگان شکاری چه حیواناتی را شکار می‌کنند؟
- ۶- چه موجوداتی هم در هوا و هم در زمین زندگی می‌کنند؟
- ۷- چه حیواناتی در آب و زمین زندگی می‌کنند؟
- ۸- کوسه چه موجوداتی را شکار می‌کند؟
- ۹- کدام حشره انسان را خیلی آزار می‌دهد؟
- ۱۰- از حیوانات اهلی کدام برای انسان خیلی مفید است؟

تمرین ۲ به پرسش‌های زیر پاسخ دهید: (به صورت جمله‌ی کامل برای تمرین

صفت‌ها)

- ۱- وحشی‌ترین حیوان چه حیوانی است؟

- ۲- زیباترین حیوان کدام است؟
beautiful = زیبا
- ۳- قوی‌ترین حیوان کدام است؟
strong = قوی
- ۴- مگارتترین حیوان چه حیوانی است؟
sly = مگار
- ۵- کدام پرنده خوش صداترین است؟
sweet-voiced = خوش صدا
- ۶- کدام حیوان بد صداترین است؟
ill-voiced = بد صدا
- ۷- چه پرنده‌ای از همه رام‌تر است؟
tame = رام
- ۸- کدام حیوان دزد است؟
thief = دزد
- ۹- کدام پرنده دزدی می‌کند؟
steal = دزدی
- ۱۰- چه حیوانی سنگین‌ترین است؟
heavy = سنگین
- ۱۱- چه حیوانی سریع‌ترین دونده است؟
fast runner = سریع
- ۱۲- چه حشره‌ای خیلی خطرناک است؟
dangerous = خطرناک
- ۱۳- چه حشره‌ای برای انسان مفید است؟
useful = مفید
- ۱۴- کدام حیوان بلندترین قد را دارد؟
tall = قد بلند
- ۱۵- کدام آبزی دوست انسان است؟
friend = دوست
- ۱۶- کدام حیوان دشمن گربه است؟
enemy = دشمن

سخن ناشر

مجموعه‌ی آموزشی «فارسی آسان» برای تدریس زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان با استفاده از زبان انگلیسی تهیه شده است و شامل پنج کتاب درس، راهنمای معلم و نوارهای صوتی می‌باشد. در این مجموعه زبان‌آموزان علاوه بر آشنایی با ساختارهای پایه‌ی زبان فارسی، خط، شیوه‌ی نگارش، کاربرد زبان در موقعیت‌های زندگی واقعی و تمرین چهار مهارت اصلی زبان، به طور مختصر با مکان‌های تاریخی و دیدنی، آیین‌ها و آداب و رسوم ایران نیز آشنا می‌شوند. نوارهای صوتی مجموعه‌ی «فارسی آسان» با همکاری افراد خبره‌ای تهیه شده است که علاوه بر تسلط مثال‌زدنی به زبان فارسی و انگلیسی با فن‌آوری روز نیز به‌خوبی آشنایی داشته‌اند.

زنده‌یاد دکتر علاءالدین بازارگادی پس از اخذ مدرک دکترا از دانشگاه منچستر، علاوه بر ترجمه‌ی آثار ارزنده‌ی ادبی به زبان فارسی، سال‌ها به تدریس زبان در دانشگاه تهران اشتغال داشت. مجموعه‌ی «فارسی آسان» حاصل تلاش این استاد گرانقدر می‌باشد که بر پایه‌ی دانش وی در زمینه‌ی زبان‌های فارسی و انگلیسی و آشنایی با نیاز زبان‌آموزان شکل گرفته است. گفتنی است که یکی از آخرین آرزوهای استاد این بود که چاپ اثر حاضر را تا وقتی که در قید حیات است به چشم خود ببیند، اما صد افسوس که اجل مهلت نداد و این مجموعه پس از مرگ وی به چاپ می‌رسد.

امید است انتشارات رهنما با ارائه این مجموعه توانسته باشد طرحی نو در آموزش زبان شیرین فارسی ارائه داده و گامی هرچند کوچک در جهت شناساندن فرهنگ ایرانی به آنسوی مرزهای این کهن مرز و بوم برداشته باشد.

پازارگادی، علاءالدین، ۱۲۹۲ - ۱۳۸۳ .

فارسی آسان: کتاب سوم / تألیف علاءالدین پازارگادی؛ طراحی و صفحه‌آرایی سارا نامجو؛ ۱۳۴۹ - - تهران:

رهنما، ۱۳۸۵.

۱۲۳ ص.: مصور، جدول.

ISBN 978-964-367-203-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان دیگر: فارسی آسان (کتاب سوم).

Alaeddin Pazargadi. Easy Persian: Book 3.

ص.ع. به انگلیسی:

۱. فارسی - - کتاب‌های درسی برای خارجی‌ان - - انگلیسی. ۲. فارسی - - راهنمای آموزشی - -

خارجیان. ۳. فارسی - - مکالمه و جمله‌سازی - - انگلیسی. ۴. فارسی - - راهنمای آموزشی. الف. عنوان.

۴فا۸/۲۴۲۱

PIR ۲۸۲۹/الف ۲۵۴

م ۱۶۷۸۷-۸۵

کتابخانه ملی ایران

All rights reserved. No part of this book may be reproduced in any form or by any means without the permission, in writing, from the Publisher.

RAHNAMA PRESS

Copyright © 2008

No. 220, Shohadaye Zhandarmerie St. (Moshtagh St.), Between Farvardin & Fakhre Razi, Enghelab Ave., Oppo. Tehran University, Tehran, Iran.

P.O. Box: 13145/1845-Tel: (021) 66416604-66400927-66481662

E-mail: info@rahnamapress.com

<http://WWW.RAHNAMAPRESS.COM>

رهنا

فارسی آسان (کتاب سوم) ، مؤلف: دکتر علاءالدین پازارگادی، مدیر هنری: مصطفی آل احمد، طراح: سارا نامجو، لیتوگرافی: فراندیش، چاپ: چاپخانه پایا، تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۷، ناشر: انتشارات رهنما، آدرس: مقابل دانشگاه تهران، خیابان فروردین، نبش خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۲۲۰، تلفن: ۶۶۴۰۰۹۲۷ ، ۶۶۴۱۶۶۰۴ ، ۶۶۴۸۱۶۶۲ ، فاکس: ۶۶۴۶۷۴۲۴ فروشگاه رهنما، سعادت‌آباد، خیابان علامه طباطبایی جنوبی، پلاک ۸ ، تلفن: ۸۸۶۹۴۱۰۲ ، آدرس فروشگاه شماره ۴: خیابان پیروزی نبش خیابان سوم نیروی هوایی، تلفن: ۷۷۴۸۲۵۰۵، نمایشگاه کتاب رهنما، مقابل دانشگاه تهران پاساژ فروزنده، تلفن: ۶۶۹۵۰۹۵۷ ، شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۷-۲۰۳-۴

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

فارسی آسان

کتاب سوم

تألیف دکتر علاءالدین بازارگادی



یکی از اهداف اصلی تدوین مجموعه‌ی آموزشی **فارسی آسان** آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان است. در این مجموعه، زبان آموزان علاوه بر آشنایی با ساختارهای پایه‌ی زبان فارسی، خط، شیوه‌ی نگارش، کاربرد زبان در موقعیت‌های زندگی واقعی و تمرین چهار مهارت اصلی زبان؛ به‌طور مختصر با مکان‌های تاریخی و دیدنی، آیین‌ها و آداب و رسوم ایران نیز آشنا می‌شوند. نوارها و لوح‌های فشرده‌ی صوتی این مجموعه کمک شایانی به فارسی‌آموزان در تلفظ صحیح واژگان و جملات فارسی می‌نماید. در ارائه مطالب از تصاویر جذاب و رنگ‌های متنوع و چشم‌نواز استفاده شده است که به نوبه‌ی خود موجب برانگیخته شدن رغبت و اشتیاق زبان آموزان می‌شود.

The Series Includes:

- Five Textbooks
- A Teacher's Manual
- Audio Cassettes and CDs

این مجموعه شامل موارد زیر است:

- پنج کتاب درس
- کتاب راهنمای معلم
- نوارها و لوح‌های فشرده‌ی صوتی

ISBN:978-964-367-203-4



9 789643 672034

<http://www.rahnamapress.com>
Email:info@rahnamapress.com



RAHNAMEA PRESS
2009